پیام بهائی

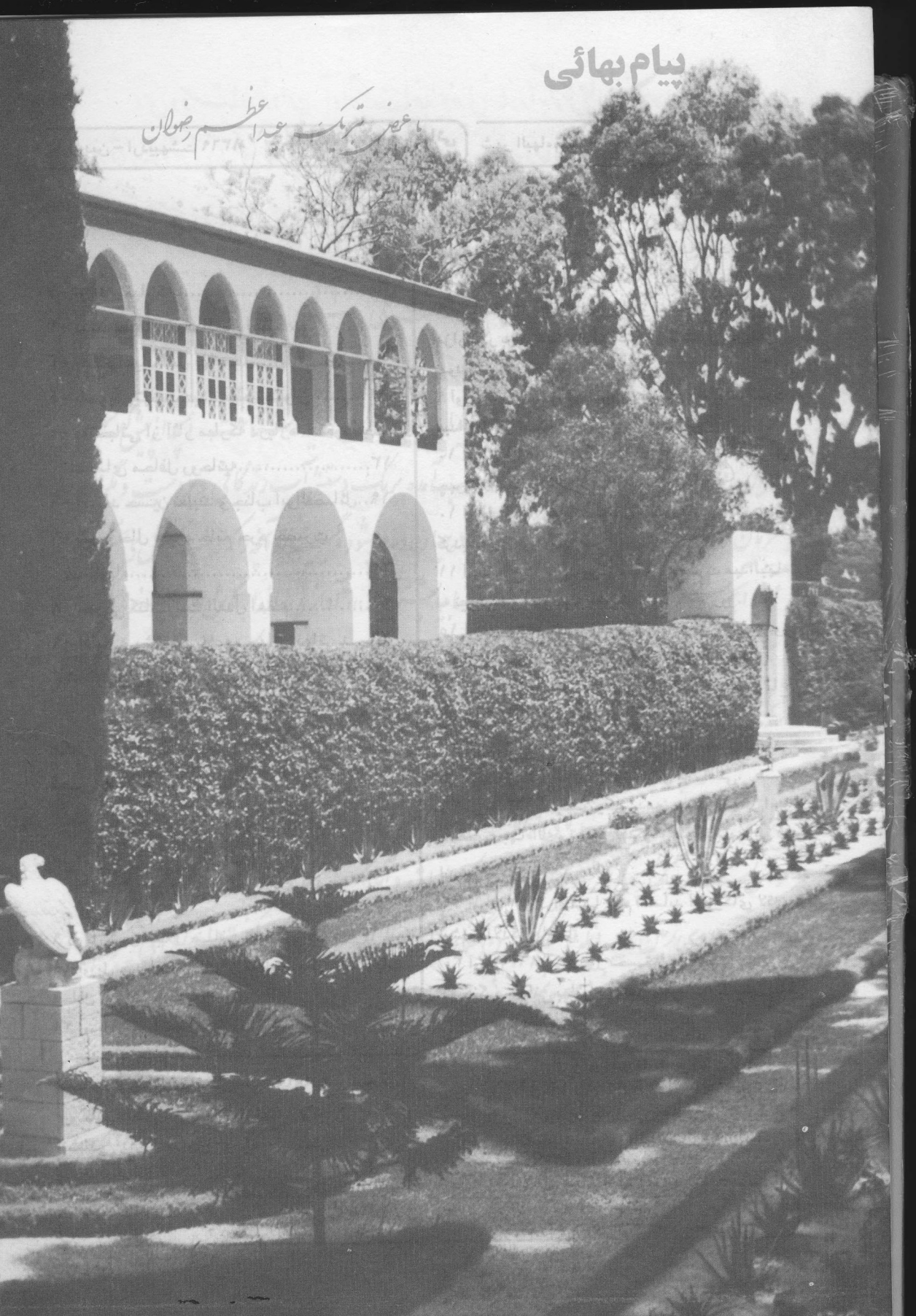

فهرست

۱- از آثار مبارکه ۳
۲- دستخط های بیت العدل اعظم.....۷
۳- اعظم اعیاد اهل بهاء.....۹
٤- شعر در تهنیت عید اعظم رضوان.....۱۲
٥- منتخباتی از آثار مبارکه درباره خصوصیات اعضای محافل روحانیه.....۱۳
٦- استاد حسین نعلبند و جناب ابوالفضائل..۱۹
۷- شرح حال منیره خانم حرم حضرت عبدالبهاء.....۲۲
۸- معرفی کتاب بیت العدل اعظم.....۲٥
۹- اخبار و بشارات جامعه جهانی بهائی.....۲٦
۱۰- از میان نامه های رسیده.....۲۸

عکس روی جلد:
قصر مبارك بهجی

"تقویم ماه"

۹ آوریل شهر الجلال ضیافت نوزده روزه.
۲۱ آوریل عید اعظم رضوان تعطیل بهائی. انتخابات محافل روحانی محلی.
۲۸ آوریل شهر الجمال ضیافت نوزده روزه.
۲۹ آوریل نهم عید اعظم رضوان تعطیل بهائی.

وقایع مهم تاریخی

۱ آوریل ۱۸٤۷ حضرت بهاءالله نامه و هدیه ای به حضور حضرت باب در قریه کُلین ارسال فرمودند.
۹ آوریل ۱۹۰۸ احباء امریکا دو قطعه زمین بمبلغ دو هزار دلار برای مشرق الاذکار آن کشور خریداری نمودند.
۹ آوریل ۱۹۱۳ عزیمت مرکز میثاق الهی حضرت عبدالبهاء از اشتوتکارت به بوداپست و وین.
۱۰ آوریل ۱۸٤۸ ورود حضرت ربّ اعلی به حبس چهریق(آذربایجان).
۱۰ آوریل ۱۸٥٤ عزیمت جمال اقدس ابهی به کوههای کردستان برای دوسال.
۱۱ آوریل ۱۹۱۲ ورود مرکز میثاق حضرت عبدالبهاء به نیویورك و آغاز سفر آمریکا بمدت ۲۳۹ روز.
۱٥ آوریل ۱۸۹۰ شرفیابی پرفسور براون به حضور جمال اقدس ابهی در قصر بهجی ۱٥ تا ۲۰ آوریل.
۲۱ آوریل ۱۸٦۳ اظهار امر حضرت بهاءالله در باغ رضوان بغداد.
۲۱ آوریل ۱۹٦۳ انتخاب نخستین بیت العدل جهانی در حیفا و تشکیل نخستین کانونشن بین المللی.
۲۸ آوریل ۱۹٦۳ جشن یکصدمین سال اظهار امر حضرت بهاءالله و تشکیل کنگره جهانی بهائی در لندن.
۲۹ آوریل ۱۹۷۲ افتتاح ام المعابد آمریکای لاتین، مشرق الاذکار پاناما.
۳۰ آوریل ۱۹٦۳ حضور نخستین بیت العدل جهانی در کنگره جهانی بهائی در لندن و قرائت نخستین پیام بیت العدل اعظم.

"PAYÁM - I BAHÁ'I "
Supplément de "BAHÁ'Í FRANCE"
Publié par l'Assemblée spirituelle Nationale des Bahá'is de France.
45Rue Pergolese, 75116 PARIS
(FRANCE) Tel (1) 45 00 90 26

پیام بهائی نشریهٔ ماهانه محفل روحانی ملی فرانسه برای بهائیان.
نشانی دفتر اداری و امور اشتراك
B.P.9
06240 Beausoleil
France

از آثار مبارکه

پارسی

جهاندار آمد و راه نمود

پاره‌ای از نصوص مبارکه مظهر کلّی آلهی *

بگو امروز آفتاب بینائی از آسمان دانائی هویدا نیکوست کسی که دید و شناخت آنچه از پیش گفته شد دراین روزگار پدیدار ... آنکه پنهان بود آمده و خوب آمده بر یک دستش آب زندگانی و بر دست دیگر فرمان آزادی بگذارید و بگیرید ، بگذارید آنچه در جهان دیده میشود و بگیرید آنچه را که دست بخشش می بخشد آمده آنچه چشم روزگار مانند آن ندیده ... بشتابید بشتابید ... آواز بی نیاز را به گوش جان بشنوید و به آنچه سزاوار روز خداوند است رفتار نمائید ... بگو امروز خداوند در انجمن سخن میفرماید نزدیک شوید و گفتارش را بیابید گفتار پیک دیدار اوست شمارا از تاریکی رهاند و به روشنائی رساند . (ص ۱۷۳ - ۱۷۴)

بگو ای پسران خاک یزدان پاک میفرماید آنچه در این روز پیروز شما را از آلایش پاک نماید و به آسایش رساند همان راه راه من است پاکی از آلایش پاکی از چیزهائی است که زیان آرد و از بزرگی مردمان بکاهد و آن پسندیدن گفتار و کردار خود است اگرچه نیک باشد و آسایش هنگامی دست دهد که هرکس خود را نیکخواه همه روی زمین نماید آنگاه او آگاه ، این گفتار را گواه که اگر همه مردمان زمین به گفته آسمانی پی میبردند هرگز از دریای بخشش یزدانی بی بهره نمی ماندند ...

دوست یکتا میفرماید : راه آزادی باز شده بشتابید و چشمه دانائی جوشیده از او بیاشامید ...

بگو امروز به پیروزی دانای یکتا ، آفتاب دانائی از پس پرده جان برآمد و همه پرندگان بیابان از باده دانش مستند و به یاد دوست خرسند نیکوست کسی که بیابد و بیابد . (ص ۵ - ۹)

---

* نقل از کتاب دریای دانش - چاپ هند ۱۹۸۵

ای دوستان یزدان آواز یکتا خداوند بی نیاز را به گوش جان بشنوید تا شما را از بند
گرفتاریها و تیرگی تاریکی ها آزاد فرماید و به روشنائی پاینده رساند ... اکنون آن آتش آغاز به روشنائی
تازه و گرمی بی اندازه هویداست ، این آتش یزدان به خودی خود بی مایه و دود روشن پدیدار ،
هر که نزدیک شد برافروخت و رسید و هر که دوری جست باز ماند . (ص ۵۸-۵۹)

بی نیاز به آواز بلند میفرماید : جهان خوشی آمده غمگین مباشید راز نهان پدیدار شده اندوهگین
مشوید اگر به پیروزی این روز پی بری از جهان و آنچه در دست بگذری و به کوی یزدان شتابی .
ای بندهٔ یزدان بی روزی را از این پیروزی آگاهی نه و افسرده را از این آتش افروخته گرمی نه .
ای بندهٔ یزدان آفتاب جهان جاودانی از مشرق ارادهٔ رحمانی در اشراق و دریای بخشش یزدانی
در امواج بی بهره کسی که ندید و مرده مردی که نیافت چشم از دنیا بربندد و به روی دوست یکتا نگشاید و به
پیوند . (ص ۶۱-۶۲)

امروز کیش یزدان پدیدار ، جهان از آمد و راه نمود کیش نیکوکاری و آئین بردباری این کیش
زندگی پاینده بخشد و این آئین مردمان را به جهان بی نیازی رساند این کیش و آئین دارای کیش ها و آئین هاست
بگیرید و بدارید . (ص ۶۶)

اگر مردمان به چشم خود بنگرند امروز جهان را به روشنائی تازه روشن بینند بگو خورشید دانائی
هویدا و آفتاب دانش پدیدار بخت یار آنکه رسید و دید و شناخت .

بگوای گروان جهان بناه آمده روز بینائی است بینای آگاه آمده هنگام جان بازی است
در این روز بخشش کوشش نمائید تا در دفتر نیکوکاران مذکور آئید . (ص ۸۲)

The Garden of Riḍván, Baghdád from the left bank of the river.

صبح اُمید دمید و فجر یوم ظاهر
نبذه ای از نصوص مبارکه

۱ - از قلم اعلی :

بسم الله الأبدع الأبهی

لک الحمد یا آلهی بما اظهرت سلطان الایام الذی بشّرت به اصفیائک و انبیائک فی الواح عزّ امرک و فیه تجلّیت علی کلّ الاشیاء بکلّ الاسماء. طوبی لمن اقبل الیک و فاز بلقائک و سمع نغماتک ای ربّ اسئلک باسمک الذی یطوف فی حوله ملکوت الاسماء ان تؤیّد احبّائک علی اعلاء کلمتک بین عبادک و ذکرک بین بریّتک لتأخذ جذبات وحیک من فی ارضک ای ربّ لما هدیتهم الی کوثر فضلک لا تمنعهم بحودک و لما دعوتهم الی مقرّ عرشک لا تطردهم بعنایتک فانزل علیهم یا آلهی ما یجعلهم منقطعاً عن دونک و طائراً فی هواء قربک علی شأن لا تمنعهم سطوة الظالمین و لا اشارات الذین کفروا بنفسک العلیّ العظیم

بنام محبوب عالم

صبح اُمید دمید و فجر یوم ظاهر و قلم اعلیٰ به این کلمهٔ مبارکه ناطق : انشاءالله در این ایّام نورانی جمیع وجوه به وجه آلهی توجّه نمایند و از رحیق حقیقی بیاشامند ، وقت عملست و هنگام سرور ، اهل بصر امروز به تمام بهجت به منظر اکبر ناظرند ، و از بادهٔ معرفت چنان مجذوبند که غیر الله را معدوم مشاهده مینمایند و جز دوست را مفقود دانند ، نیکوست حال نفسی که به این مقام بلند اعلیٰ فائز شد و بر سریر استقامت مقرّ گزید ، نشهد انه ممّن اقبل و شرب رحیق الوحی من ید عطاء ربه الخبیر .

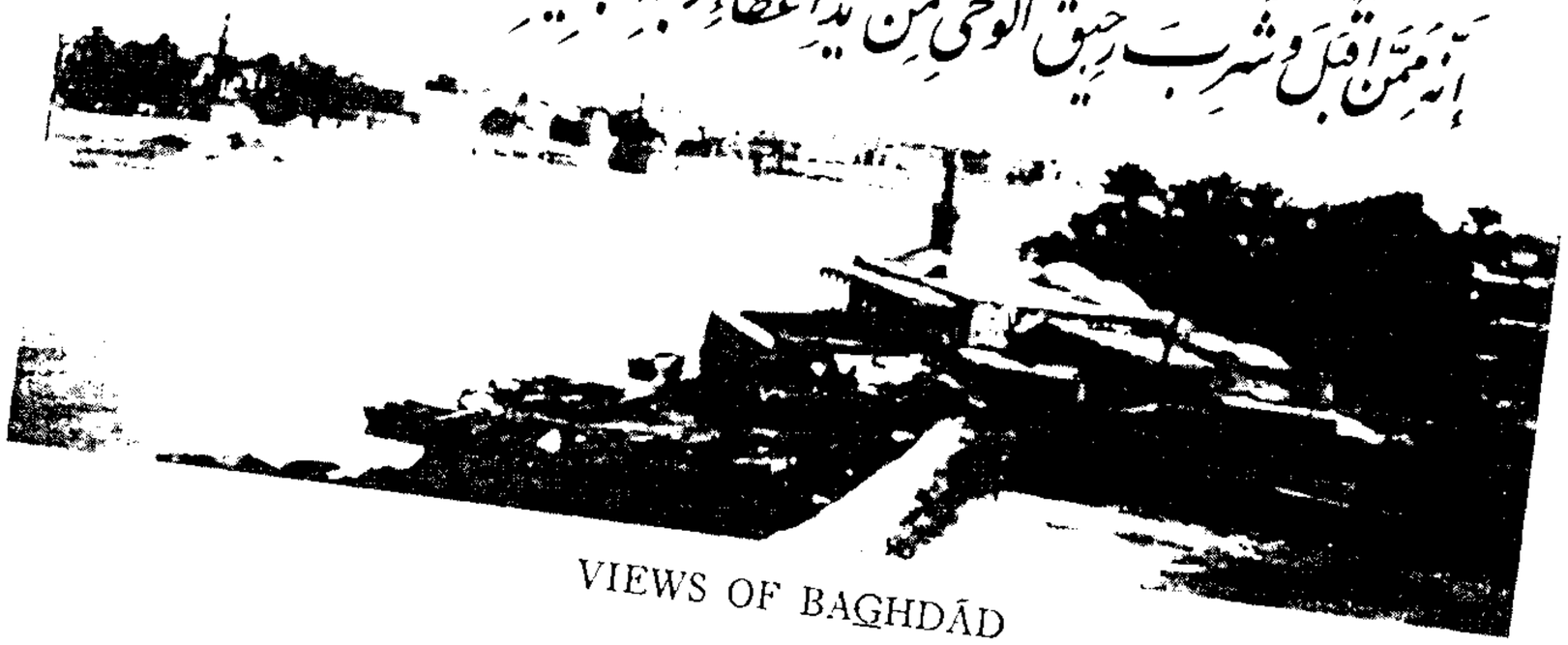

VIEWS OF BAGHDĀD

بنام دوست یکتا

ای دوستان دوست حقیقی به دیدن شما آمده و عالم را از اشراقات انوار آفتاب معانی منوّر فرموده وقت فرح است و هنگام سرور به یاد دوست جمع شوید و به ذکر و ثنایش مشغول عمل امروز از جوهر اعمال محسوبست بر بّر و بحر و جبال و مُدن و دیار تجلّی فرموده هر بصیری به آثارش فائز و هر کوری محروم نیکوست حال نفسی که به او عارف شد و در لباس جدید بدیع او را شناخت او از اهل حق و سالک سبیل حقیقت است .

۲ - از براعه میثاق : هُوالله

ای یاران حقیقی و مشتاقان جمال الٰهی چون حیّ قیّوم به جمیع اسماء و صفات و کمالات و شئون بر ماکان و مایکون تجلّی فرمود و مطلع امکان را به انوار نیّر لامکان متجلّی نمود و جوش و خروش در ذرّات کائنات افتاد نیسان رحمت فیضان نمود و پرتو آفتاب درخشید و نسیم صبا بوزید و ندای الٰهی به گوشها برسید دلها بطپید و جانها برهید رُخها برافروخت و پرده ها بسوخت و روی یار مهربان جلوه نمود قلوب عاشقان شعله سوزان برزد و چشم مشتاقان از سرور گریان شد گلشن توحید تزئین یافت و گلزار تجرید آراسته گشت جشن فیوضات ترتیب یافت و بزم الست آماده شد سریر سلطنت الٰهیه استقرار جست و الرّحمن علی العرش استوی متحقق گشت پس اعظم تجلّی جمال قدم در این بزم اتمّ در هیکل میثاق جلوه فرمود و بر آفاق اشراق نمود مُطرب الٰهی اوتار مثالث و مثانی به دست گرفت و به آهنگ پارسی آغاز نغمه و ساز نمود و به شهناز این ترانه آغاز کرد این عهد الست است این پیمانه بدست است این ، بازار شکست است این ، از یوسف رحمانی ، میثاق و فاقست این ، پیمان و طلاقست این ، آفاق نعاقست این ، از رحمت یزدانی ، این عهد قدیمست این ، این سرّ قویمست این ، این رمز عظیمست این ، از طلعت ابهائی . روحی لاحبّائه الفداء . ع ع

ترجمه دو پیام از بیت العدل اعظم

۱- پیام مورخ ۸ فوریه ۱۹۹۰

پیروان جمال قدم در سراسر عالم

وقایع پر دامنه ای که در آستانه دهه سرنوشت ساز و نهائی این "قرن انوار" در صحنه کیتی بویژه در اروپای شرقی و اتحاد جماهیر شوروی روی میدهد نمایش شگفت انگیز دیگری ازکیفیّت تجلّی نقشه کلی الهی است که تقلیب جامعهء بشری را بنحو غیر قابل مقاومتی تحقّق می بخشد. این دگرگونیهای سریع و غیر منتظره چنین ایجاب میکند که متناسب با سرعت فزاینده حوادث جاری جهان اقدامات مهمّ و حیات بخشی که ورّاث امر جلیل حضرت بهاء اللّه بدان مأمور و مشغولند نیز سرعت و افزایش بیشتر یابد.

بنابر این با کمال مسرّت اعلام میداریم که در عید رضوان، نقشه دوساله تبلیغی متمّمی برای مناطق وسیع باقیمانده در اروپای شرقی و آسیا آغاز خواهد گردید. این اقدام خطیر متضمن تحقّق یافتن منظّم اهدافی است که در الواح نقشه عظیم تبلیغی حضرت عبدالبهاءپیش بینی شده و هم اکنون در سایر نقاط جهان به مراحل اجرائی پیشرفته ای رسیده است.

این مشروع منطقه ای که با مشورت با دارالتبلیغ بین المللی طرح گشته بنحو بارزی سبب توسعه و تقویت نقشه جهانی شش ساله خواهد گردید. اهداف این نقشه متمّم شامل افزودن تعدادی کثیر بر حامیان امر اعظم، ازدیاد ترجمه و طبع و توزیع انتشارات امری به السنه متداول در سراسر این منطقه وسیع و توسعه نفوذ مطلوب نظم اداری است. نظمی که من جانب اللّه تأسیس گشته و از طریق ایجاد تشکیلات و مؤسسات بهائی محلی و ملی استقرار خواهد یافت. انتظار میرود که این امر تا ایآم رضوان سال ۱۹۹۲ در تعداد هر چه بیشتری از کشورهای شرق اروپا و ماوراء آن امکان پذیر گردد.

از محافل ملیه ای که در اروپا و آسیا و امریکا مسئولیت اصلی اقدامات مربوط به هریك از ملل واقعه در این منطقه را بر عهده دارند دعوت میشود تا با مشورت با اعضای هیئت های مشاورین اهداف تفصیلی این نقشه متمّم را تعیین کنند بنحوی که متضمّن و مکمّل اهدافی شود که تابحال در ظلّ نقشه شش ساله در نظر گرفته شده و در جریان اجرا است. اکنون موقع آن فرا رسیده است که به قدردانی و تمجید از موفقیّت های شایان مؤسسات امریّه و افرادی از احبّا پردازیم که در این ایّام به منظور پیشرفت امر در اروپای شرقی و اتحاد جماهیر شوروی بدون توقّع تشویق و تحسین به بذل مساعی و مجاهدت مشغولند و خدماتشان راهگشای اقدامات وسیعی است که بزودی آغاز خواهد شد. عالم بهائی را به قیام و پشتیبانی از انتشار پیام نجات بخش جهانی امر الهی در مناطقی که در این نقشه در نظر گرفته شده دعوت میکنیم تا از طریق استقرار مهاجرین و اعزام مستمر خیل مبلغیّن سیّار، مخصوصاً نفوسی که به السنه ممالك و جمهوری های بلوك شرق تسلّط دارند، باین امر خطیر بپردازند.

به موازات این اقدامات بجا است که مساعی جاری برای تبلیغ چینی ها از تأکید و سرعت بیشتری برخوردار گردد.

هم اکنون آفاق وسیعی که برای انتشار امر الهی پدید آمده، فرصت های بی سابقه ای برای فتوحات جدید فراهم آورده است که بمناسبت تکریم یکصدمین سالگرد صعود حضرت بهاء الله یعنی "سال مقدسی" که در پیش است شایسته تقدیم به آستان مقدس جمال قدم جل ذکره الاعظم است. شمول تأییدات لانهایه الهیه را برای نفوسی که بانحاء مختلف در این جهاد تاریخی نقشه تاریخی شش ساله شرکت دارند ملتمسیم.

بیت العدل اعظم

۲- ترجمه پیام تلگرافی بیت العدل اعظم به محافل روحانی ملی ۲۳ ژانویه ۱۹۹۰

یاران عزیز الهی

لطفاً بشارت پیشرفت پروژه تاریخی ابنیه کوه کرمل را به عموم یاران ابلاغ نمائید:

در اثر مذاکرات مفصل و مراجعات مصرّانه طرح شهرسازی که برای شروع عملیات ساختمانی لازم بود در یازدهم اکتبر ۱۹۸۹ مورد تصویب کمیته محلی شهرسازی و نیز شورای شهر حیفا قرار گرفت. تصویب این طرح مؤید حسن نیتّی که در هنگام تشکیل کانون بین المللی از طرف شورای مزبور در مورد طرح ابنیه کوه کرمل ابراز شده بود می باشد. طرح مزبور اکنون برای تصویب نهائی به کمیسیون ناحیه ای شهرسازی ارجاع شده است. طرح مصوبه کنونی ایجاد دو جاده ای را که قبلاً مورد تصویب قرار گرفته بود تا از میان اراضی متعلق به امر عبور کند منتفی ساخته و نیز متضمن پائین آوردن سطح خیابانی که در حال حاضر از میان باغات حول حرم اشرف میگذرد می باشد.

بدین ترتیب ساختمان طبقات مقام اعلی بنحوی که باغات حول مقام با باغ های اطراف دارالآثار متصل بشود مقدور میگردد. تصویب نهائی این طرح ما را متعهد میسازد که عملیات ساختمانی را فوراً شروع کنیم.

مطالعات زمین شناسی که برای پی ریزی ابنیه قوس ضرورت داشت و در پیام رضوان به آن اشاره شده بود تکمیل شده است.

نقشه های لازم جهت صدور اجازه ساختمان بنای ضمیمه دارالآثار و مرکز مطالعه و تحقیق در نصوص مبارکه به مقامات مربوطه تسلیم شده است تا همزمان با جریان تصویب نهائی طرح شهرسازی اجازه شروع این ساختمان ها نیز مورد مطالعه و تصویب قرار گیرد.

از پنجاه ملیون دلاری که به عنوان ذخیره اساسی جهت شروع عملیات ساختمانی خواسته شده بود تابحال قریب ۲۶ ملیون دلار تبرّع شده است و باقیمانده این مبلغ بفوریت مورد لزوم است.

اهمیت و ضرورت این اقدام عظیم دسته جمعی در این زمان که مصادف با تحوّلات بی سابقه ای در صحنه جهان و سرعت یافتن اقبال مردمان به امر حضرت یزدان و اتساع دائره انتشار پیام حضرت بهاء الله به سرزمین های باقیماندهء کره ارض است بنحوی روز افزون محسوس میگردد.

الطاف و عنایات حیّ قدیر را جهت تأیید و تقویت جمیع مجهوداتی که پیروان مخلص و منقطع امر اعظمش در اجرای وظائف خطیر و حیاتی مبذول میدارند ملتمسیم.

بیت العدل اعظم

اعظم اعیاد اهل بهاء

در آثار مبارکه جمال قدم جلّ ذکره الاعظم از عید رضوان به عیدالله و عید اعظم و سلطان اعیاد تعبیر شده و در توصیف اهمیت و اشرفیت آن ایّام خجسته کلماتی بس پر هیمنه از یراعه رب البریّه صادرگشته.

فی الحقیقه ظهوری که در این روزهای فرخنده واقع شده از مقوله ظهور نبوی نبوده بلکه ظهورالله و ظهورِ اب آسمانی در کمال شکوه و مجد روحانی بموجب وعود صریحهء کتب مقدسه سابقه تحقّق پذیرفته. سلطان قدم از ورای حجاب اسماء ظاهر شده. نسائم غفران بر هیاکل اکوان بوزش آمده و روح حیات بر کالبد جهان و جهانیان مرور نموده. جمال کبریا بر کرسی جلال و عظمت مستقر شده و اسرار نهفته از پرده برون افتاده، چهره ای که مصداق "و اشرقتِ الارض بنور ربّها" است جلوه نما گشته و انوار اسم اعظم الهی بر عالم آفرینش پرتو افکن گردیده.

در چنین ایامی بوده که حقائق لاهوت با اهل ناسوت درود و تحسین فرستاده و از این که ملك ثری مقر عرش محبوب یکتا شده بانگ تبریك و تهنیت در داده.

سال ۱۹ بدیع بود و هنوز بآغاز اردی بهشت ماه جلالی روزهائی چند مانده بود. طبیعت چهره خود بزیبا ترین الوان می آراست و بغداد در نهانی انتظار وقوع واقعه ای بس عظیم را می کشید. بروایت نبیل و دیگر مورخان، پیش از این ایّام هم نفسی چند از دوستان خالص بر حسب هدایت یا دلالتی که دریافت کرده بودند یا بر اثر شهود و مکاشفتی که نصیبشان گشته بود بمقام حضرت بهاء الله پی برده بودند اما در این روزها بود که دست مشیّت حق حجاب ستر را بیکباره کنار زد تا آینهء قلوب صافی توفیق دریافت تجلیّات وجه رحمانی حاصل کند. در روزهای قبل از رضوان چنان که نبیل زرندی حکایت می کند هر یومی لوحی شورانگیز از قلم مبارك نازل می شد که در و دیوار را برقص می آورد و یاران را از خمر بیان جانان مست و مدهوش می کرد و دلهای عاشقان روی دلجویش را بجوش و خروش می افکند. شُبهه نبود که جهان آبستن حادثه ای گران است که انقلابی عظیم در سراسر کره ارض براه خواهد انداخت و رازی که از آغاز تاریخ سربسته بود بر اهل عالم گشوده و مکشوف خواهد شد و وعده های جانپرور که در کتب سالفه آمده است بعرصه شهود خواهد آمد.

فی الحقیقه در عصر سی و دوم نوروز سنه ۱۸۵۳ میلادی بود که ابواب رضوان الهی بر جمیع خلق گشوده شد و مژده رضوان که در آثار حضرت رب اعلی مستتر است آشکار و مشتهر گشت. گوئی وعده قرآن کریم (سوره آل عمران- ۱۵ و مواضع دیگر) در باغ نجیب پاشا و کنار شط دجله

تحقق یافته بود که متّقیان را وعده بجنّاتی فرموده است که «تجری من تحتها الانهار» و هم آنان را بخلود و ابدیّت و برخورداری از رضوان احدیّت امید بخشیده است.

در قرآن مجید آمده که «الاسماء تُنزل من السماء» یعنی نام ها از آسمان فرود می آید و براستی هم که بغداد نامی پر بشارت و اشارت است زیرا آن را بمعنای خداداد دانسته اند و مقدر بوده که در این شهر ظهوری واقع شود که مشمول این مژده صریح کتب مقدسه باشد: خدا با ایشان و در میان ایشان خواهد بود.

امروز برای همه ما جای حسرت است که از چگونگی اظهار امر حضرت بهاء الله در باغ نجیبیه اطلاعی وافی و کافی نداریم و بدرستی نمی دانیم که چه کلمات مبارکی از فم اطهر مظهر کلی الهی در آن دوازده یوم تاریخی شرف صدور یافته و انعکاس آن کلمات در نفوس حاضران و قلوب زائران درگاه محبوب امکان چه بوده.

آن چه نبیل زرندی شاعر شوریده حال و مورخ پرشور و اشتعال در این مورد نوشته هرگز کفاف عطش محققان امروز را نمی دهد. این قدر معلوم است که در این مدت «هر روز از صبح تا شام از کثرت آمد و شد نفوس از بغداد، آنی لسان قدم ساکت و صامت نبوده و در اظها امر پرده و حجابی نه.»

بی گمان بسیاری از این نفوس برای وداع با مولای محبوب خود که محکوم به تبعید به سرزمینی دیگر بود به آستان مبارك می آمدند. خود جمال اقدس ابهی بتاثر و تألم یار و اغیار از غربت و هجرت آن مظلوم روزگار اشارت فرموده و شهادت داده اند که حتی برخی از شاهزادگان ایرانی می گریستند و برخی از اعراب چون ابر بهاری در گریه و زاری بودند.

اما از بدایع آن ایام فرخنده یکی جلوه گری عظمت و جلالت مظهر الهی در عین مظلومیت و اسیری بود. بفرموده حضرت عبدالبهاء:

«هر روز فوج فوج از اعاظم علما و فضلا و بزرگان حتی نامق پاشا والی بغداد که تا آن روز بحسب ظاهر مُشرّف نشده بود می آمدند و بساحت اقدس مشرّف می شدند.»

اهل بیان که تا آن زمان انتظار مَنْ یُظهره الله را می کشیدند اینك موعود محبوب را در برابر خود می دیدند و از شوق و نشاط سر از پای نمی شناختند. از سوی دیگر دشمنان پرکین که پس از شهادت حضرت باب انتظار خاموشی و فراموشی این شعله الهی را داشتند اینك خود را در برابر آتشفشانی پر قدرت می دیدند و بالمرّه دچار یأس و حرمان می شدند.

با اظهار امر مبارك در بغداد درخت پاکیزه ای که حضرت رب اعلی نخست در شیراز نشانده بودند اینك به ثمر می رسید و بابیان که پس از شهادت آن حضرت پراکنده و بی سر و سامان و آواره کوه و بیابان شده بودند در ظل عنایات مَنْ یُظهره الله آرامش و امان می یافتند. در کتب تاریخ مسطور است که حتی در آخرین ایام حیات عنصری حضرت باب رابطه مراسله و مخابره ظاهری و روحانی بین آن حضرت و جمال مبارك برقرار و استوار بود. حضرت بهاء الله در همان اواخر رقیمه ای بحضرت اعلی فرستادند که سبب سرور و حبور آن وجود مقدس گشت و در مقابل حضرت اعلی چهل روز قبل از آن که از سجن چهریق به تبریز انتقال یابند توسط یکی از حروف

حی توقیعی برای حضرت بهاءالله فرستادند که بصورت هیکل انسانی در نهایت لطافت و پاکیزگی بخط ریز مرقوم شده بود و در آن، کاتب الهی سیصدو شصت اشتقاق از کلمه بهاء را در یك توقیع رفیع بکار برده بودند هر چند شاید اکثریت اهل بیان از این سوابق بی خبر بودند اما بی گمان همه آنان برأی العین کمال و جلال حضرت بهاء الله را مشاهده می کردند و اکثر تحت تأثیر عمیق آن قرار می گرفتند و در محضر مبارکش دست از هر دعوی می شستند.

***

برای درك شرف و عُلوّ ایّام رضوان توجه باین نکته ضرور است که اگر سال بهائی با نوروز گشایش می پذیرد اما باراده حضرت ولی امرالله رضوان سرآغاز سال تشکیلاتی اهل بهاست. محافل روحانی محلّی و ملّی در این روزهای تاریخی تجدید انتخاب می شوند و هر پنج سال در همین ایام شادکام بیت العدل اعظم الهی که اعظم تأسیسات بهائی و پناهگاه نهائی تمدن متزلزل کنونی است مجدداً بر کرسی جلالت خود استقرار می یابد.

اگر نوروز طلیعه تجدید حیات طبیعت است رضوان حیات نو در قالب نظم جهان انسانی میدمد. اما هر دو با فرح و سرور مقرون است و مصداق این بیان جمال مبارك درکلمات مکنونه که "افْرَح بِسرور قلبك لِتکون قابلا لِلقائی و مِرآتاً لجمالی" و ناگفته نماند که فی الحقیقه دل شادمان دریچه ای به ملك جنان است و لب خندان آینه ای از جمال جانان - اگر عید نوروز در تقویم بهائی یك روز احتساب می شود اما رضوان از ایّام تسعه مبارکه سه روز تمام را در بر می گیرد و این هم رمزی لطیف و اشارتی ظریف به اعظمیّت آن است.

***

گر چه بصریح بیان ملیح مولای امم جمال قدم درك اسرار مودوعه در این عید فرخنده بیرون از حد بشر است اما ذهن کنجکاو از اندیشه باین نکته لطیفه گریز ندارد که هرچند مصباح امر جدید در شیراز و طهران برافروخته شد اما بتقدیرات خفیه الهی هر روز بیشتر به جانب غرب حرکت کرد و از مرکز حکومت شکوهمند هخامنشی و قلمرو آئین برومند زردشتی بسوی بغداد مرکز نام آور تمدن اسلامی روی آورد شهری که یك روز از فرّ و شکوه سر بآسمان بر می آورد و فخر بر فلك و حکم بر ستاره می کرد و بروزگار عباسیان مرکز علم و فرهنگ و کانون تحقیق و پژوهش در شرق و غرب بود. دیری نگذشت که آن چراغ افروخته دست پروردگار از بغداد بمرکز خلافت و محور امپراطوری پر اقتدار عثمانی منتقل شد و نه فقط استانبول و بعداً ادرنه را بنور آسمانی خویش روشن کرد بلکه از طریق خطابات مهیمنه بملوك و روسای ارض و در مرتبه اولی سلطان و صدر اعظم عثمانی و پادشاه ایران و ناپلئون سوم و سایرین دامنه تشعشع آن به پهنه جهان گسترش یافت و استقرار بعدی در مدینه محصنه عکا که نقطه تلاقی تمدن های شرقی و غربی و پیوندگاه فرهنگ اسلامی و مسیحی بود روشنگر این حقیقت شد که در آئین جدید امتزاج و التیام خاور و باختر و تمدن معنوی و مادی مقدر و مقرّر است.

بقیه در ص ۲۱

در تهنیت عید اعظم رضوان
واظهار امر حضرت بهاءالله جل ثنائه

از: غلامرضا روحانی

شد عید رضوان کز آن، گیتی است رشک اِرم — عیدیست فرخنده پی، جشنی مبارك قدم
این عید عید خداست، زاعیاد دیگر جداست — جشن ظهور بهاست، موعود کل امم
هرسو بساط نشاط، آماده وزانبساط — برخیزد از هر بساط، صد نغمه زیر و بم
بلبل بآواز شوق، وز شور وشهناز شوق — گردیده دمساز شوق، بر گل سراید نغم
طاوس باغ بهار، نامد بخود پر نگار — کز صنع پروردگار، شد نقشها مرتسم
آن خسرو ملك جان، زد خیمه در بوستان — بگشود بر اِنس و جان، دست عطا و کرم
بس گل که در نو بهار، شد بر قدومش نثار — تا سرو دلجوی یار، در بوستان زد عَلَم
برکاخ ملك وجود، بگشود ابواب جود — سلطان غیب و شهود، شاهی ملایك خدم
از حق بدارالسلام، دعوت شد از خاص وعام — فرمان رب الانام، آمد بلوح و قلم
کای پیروان رُسل، وی رهروان سُبُل — در خیمه صلح کل، آئید برگرد هم
چون حق بعهد الست، بر عرش پیمان نشست — پیمان شکن رخت بست، سوی دیار عدم
ای بلبلان درچمن، بر پا کنید انجمن — گوئید از آن گل سخن، با صوت خوش دمبدم
انوار صبح امید، شب را گریبان درید — تا برقع از رخ کشید، شمس جمال قِدم
کرد آن مه منتظر، در حول اقصی مقر — بیهوده داری نظر، تا کی به دیر و حرم
از خاك درگاه او، ملك معالی بجو — بس کن دگر گفتگو، ز اقلیم دارا و جم
احکام حق منیع، باشد چو ابر ربیع — تنها بنظم بدیع، گیتی شود منتظم
روحانیا این سرود، کابواب عشرت گشود — بر خوان بگلبانگ رود، کز دل بَرَد زنگ غم

باغ رضوان

منتخباتی از آثار مبارکه
در باره اوصاف و خصوصیّات اعضای محافل روحانیّه

الف - از آثار حضرت عبدالبهاء

۱ - اوّل فریضهء اصحاب شور خلوص نیّت و نورانیّت حقیقت و انقطاع از ماسوی الله و انجذاب بنفحات الله و خضوع و خشوع بین احباء و صبر و تحمل بر بلاء و بندگی عتبهء سامیّه الهیه است و چون باین صفات موفقّ و مؤید گردند نصرت ملکوت غیب ابهی احاطه نماید.(۱

۲ - باید بنوعی مذاکره و مشاوره کرد که اسباب کدورتی و اختلافی فراهم نیاید و آن اینست حین عقد مجلس هر یك بکمال حُریّت رأی خویش را بیان و کشف برهان نماید اگر دیگری مقاومت میکند ابداً او مُکدّر نشود زیرا تا بحث در مسائل نگردد رأی موافق معلوم نشود و بارقهء حقیقت شعاع ساطع از تصادم افکار است. در نهایت مذاکره اگر اتفاق آراء حاصل گردد فنعم المراد و اگر معاذالله اختلاف حاصل شود باکثریت آراء قرار دهند.(۱

۳ - اول شرط، محبّت و الفت تامّ بین اعضاء آن انجمن است که از بیگانگی بیزار گردند و یگانگی حضرت پروردگار آشکار کنند زیرا امواج یك بحرند و قطرات یك نهر، نجوم یك افقند و اشعّهء یك شمس، درختان یك بوستانند و گلهای یك گلستان، و اگر وحدت حال و یگانگی بی ملال در میان نیاید آن جمع پریشان گردد و آن انجمن بی سر و سامان، و شرط ثانی آنست که رئیسی بجهت آن محفلْ اعضای انجمن بالاتحّاد انتخاب کنند و دستور العمل و نظامی بجهت اجتماع و مذاکره قرار دهند و آن دستورالعمل و نظام در تحت اداره و محافظه و حمایت رئیس باشد و تنفیذ نماید و اعضاء محفل باید در نهایت اطاعت و انقیاد باشند. مکالمهء حشو و زوائد در آن محفل نگردد و اعضاء در حین ورود توجّه بملکوت اعلی کنند و طلب تأئید از افق ابهی، و در نهایت خلوص و وقار و سکون و آداب در انجمن قرار یابند و بنهایت ادب و ملایمت کلام و اهمیت خطاب به بیان آراء پردازند در هر مسئله نی تحرّی حقیقت کنند نه اصرار در رأی زیرا اصرار و عناد در رأی منجر به منازعه و مخاصمه گردد و حقیقت مستور ماند. ولی اعضاء محترمه باید بنهایت آزادگی بیان رأی خویش نمایند و ابداً جائز نه که نفسی تزییف رأی دیگری نماید بلکه بکمال ملایمت بیان حقیقت کند و چون اختلاف آراء حاصل شود رجوع باکثریت آراء کنند و کل اکثریّت را مطیع و منقاد گردند و دیگر جائز نه که نفسی از اعضاء محترمه بر قرار اخیر چه در خارج و چه در داخل اعتراض نماید و یا نکته گیرد ولو مخالف صواب باشد زیرا این نکته گیری سبب شود

که هیچ قراری استقرار نیابد. باری هر کاری که به الفت و محبّت و خلوص نیّت فیصل شود نتیجه اش انوار است و اگر ادنی اغبراری حاصل شود نتیجه اش ظلمات فوق ظلمات است... چون چنین گردد آن انجمن انجمن الهی است و الاّ سبب برودت و کدورت عالم شیطانی است... در این خصوص و اجراءِ این شروط چون همّت نمایند تأیید روح القدس رسد وآن مجمع مرکز سنوحات رحمانیّه گردد و جنود توفیق هجوم کند و هر روز فتوحی جدید حاصل شود.(۱

٤ - **ای ثابتان بر عهد** هر محفل روحانی که به عنایت الهیّه تشکیل گردد و اعضاء در نهایت خلوص و توّجه به ملکوت الله و ثابت بر میثاق الله باشند عبدالبهاء به آنان مخابره معنویّه دارد و تعلق قلبی دارد و روابط ابدی دارد. لهذا مکاتبه با آن محفل به دل و جان متمادی و مستمر است. در هر دمی شما را عون و عنایتی طلبم و فضل و موهبتی خواهم که تأییدات حضرت بهاءالله مانند دریا بر شما موج زند و انوار شمس حقیقت برشما بتابد و شما موفق به خدمت گردید و مظاهر موهبت شوید هر یك در سحرها توجه به ارض مقدس کنید احساسات روحانیّه در نهایت وضوح بنمائید.(۱

٥ - اگر نفوس معدودی در محفل محبوبی با احساسات ملکوتیّه و انجذابات رحمانیّه و فراغت قلب و تنزیه و تقدیس صرف اجتماع نمایند و بنهایت روح و ریحان الفت کنند آن انجمن نفوذ در کلّ عالم کند و احوال و اقوال و اعمال آن جمع سررشتهء سعادت ابدیّه و نمونهء مواهب ملکوتیّه گردد. روح القدس تأئید نماید و جنود ملأ اعلی نصرت کند و ملائکه ملکوت ابهی پیاپی رسد.(۲

٦ - هر یك نهایت ستایش را از دیگری نماید و کلّ خود را محو و فانی در دیگری مشاهده کنند و جمیع امور را جمعاً مشورت نمایند و آنچه رأی اکثر بر آن تقرّر یابد مجری دارند. بحقّ حقّ اگر جمعاً رأی غیر صواب زنند بهتر از صواب منفرد است زیرا آراء منفرده سبب اختلاف می شود و اختلاف سبب هدم بنیان. زیرا اگر در یك رأی خطا گردد در صد رأی صواب حاصل، و اتفاق و اتحّاد هر نقصی را کامل نماید و هر ناصوابی را عاقبت منتج صواب کند. در این دقیقه ملاحظه نمائید که از بدایت عالم تا بحال هر جمع موفق شدند و هر پراکنده خائب و پریشان علی الخصوص در این ایّام.(۲

۷ - اختلاف بین احبّاء در هر مسئله نی از مسائل مورث وهن امرالله است و سبب تزلزل نفوس. در دورهء جمیع انبیا چنین بوده است هزار مرتبه تجربه حاصل شده است و این در نزد آن نفوس محترمه واضح و آشکار است. ملاحظه فرمائید چون اختلاف حاصل شد لابد تصدیق یك حزب میشود و حزب دیگر دل شکسته و محزون میگردد و غرض به میان می آید و سبب احتجاب

میشود اینست که بنص الهی در این دور منصوص است که اگر در مسئله ئی از مسائل دینیّه الهیه میان دو نفر اختلاف حاصل بشود هر دو طرف باطلند مقصود معلوم است تا اینکه باب اختلاف مسدود شود. پس حضرات مقدسهء اعضاء محفل روحانی باید همّت خویش را بگمارند که اختلاف حاصل نشود و اگر شد به درجهء ضدّیت و بغض و عداوت نرسد که اسباب تهدید بمیان آید. در هر مسئله ئی که ملاحظه فرمودید که نزدیك به درجهء عداوت و تهدید میرسد فوراً آن مسئله را تعویق بیندازید تا آن نزاع و جدال و دمدمه و همهمه نماند تا وقتی موافق برسد.(۲

۸ - امور جزئی و کلّی بمشورت قرار دهید، به رأی خویش بدون مشاورت امر مهمّی مباشرت ننمائید، در فکر یکدیگر باشید، تمشیت امور یکدیگر دهید. غصّه یکدیکر خورید، افراد ملّت را محتاج نگذارید، معاونت همدیگر کنید تا کل متفقاً متحداً حکم یك هیکل پیدا کنید.(۲

۹ - در امور کلّی و جزئی انسان باید مشورت نماید تا بآنچه موافق است اطلاع یابد. شور سبب تبصّر در امور است و تعمّق در مسائل مجهول. انوار حقیقت از رخ اهل شور طالع گردد و معین حیات در چمنستان حقیقت انسان جاری گردد و انوار عزّت قدیمه بتابد و سدرهء وجود باثمار بدیعه مزیّن شود. ولی باید اعضای مشورت در نهایت محبّت و الفت و صداقت با یکدیگر باشند اصول شور از اعظم اساس الهی و باید افراد ملّت در امور عادیه نیز شور نمایند.(۳

۱۰ - **ای یاران عزیز عبدالبهاء** نامهء مبارکی که دلالت بر انتخاب محفل روحانی مینمود وصول یافت و سبب حصول سرور شد که الحمدالله یاران آن دیار در نهایت الفت و محبت و یگانگی بانتخاب جدید پرداختند و مؤیّد و موفق بر آن شدند که نفوس مقدسه ئی انتخاب نمایند که در درگاه الهی مقربند و نزد جمهور احباء در ثبوت بر عهد و پیمان مسلّم. حال باید بنهایت روح و ریحان وخلوص قلب و انجذاب بنفحات الله و تأییدات روح القدس بخدمت پردازند و در اعلاء کلمة الله و نشر نفحات الله و تربیت نفوس و ترویج صلح اعظم رایات هدی افرازند و جنود ملاء اعلی گردند. فی الحقیقة نفوس مبارکی منتخب شده اند چون نام ایشان خواندم فوراً فرح روحانی حاصل شد که الحمدالله نفوسی در آن کشور مبعوث شده اند که خادمان ملکوتند و جانفشان حضرت بیچون.(٤

۱۱ - و امّا محفل روحانی باید بانتخاب تعیین شود احبا هر کسی را که موافق می بینند انتخاب نمایند خواه پیر خواه جوان خواه توانگر و خواه بیسر و سامان.(٥

۱۲ -اول فریضهء اصحاب شور خلوص نیّت و نورانیّت حقیقت و انقطاع از ما سوی الله و انجذاب به نفحات الله و خضوع و خشوع بین احبا و صبر و تحمل بر بلاء و بندگی عتبهء سامیهء

الهیّه است و چون باین صفات موفق و مؤیّد گردند نصرت ملکوت غیب ابهی احاطه نماید.(۶

ب - از آثار حضرت ولی امرالله

۱ - نُه نفر اعضای منتخبه در هر نقطه نی قبل از مباشرت بانجام وظایف مقدسه خویش رجوع بکلمات الهیّه نمایند و در زُبُر و الواح مقدسّه تفحّص و تفرّس نمایند و لوازم اصحاب شور و واجبات امنای الهی و وظائف اعضای بیوت عدل الهی را بنهایت دقّت و توجّه و فراغت بال مکرراً قرائت نموده اطلاع تامّ حاصل نمایند و هر دم آن اوامر قطعیّه و نصایح مشفقانه را بیاد آرند و بکوشند تا هر یك را کاملاً مجری نمایند. از جمله آنکه باید خود را خادم امین حقیقی احبّاء الله شمرند و نظر را متوجه و حصر در منافع عموم و مصالح امرالله نمایند نه ناظر به اشخاص و متمسّك به مقاصد و مآرب شخصیّه گردند. باید رأی خود را در هر امری و در هر جلسه نی در نهایت صداقت و روشنی و خیرخواهی و خضوع و خلوص ابداء و اظهار دارند و آنچه را بعد از مشورت کامل و مذاکرهء تامّ رأی اکثریّت بر آن قرار گرفت بدل و جان بدون ادنی کدورت و رنجش اجرا نمایند ولو آنکه رأی اکثریّت مخالف واقع و عاری از صواب باشد چه که اینست حکم صریح محکم الهی، چگونه تجاوز و انحراف از این امر منصوص جائز.(۷

۲ - یاران و اعضای محافل باید باعمال و رفتار و سلوك در کلّ احوال و در تمام شئون و در جمیع معاملات مزیّت و حقیقت و قوّت و سُمُوّ این آئین مقدّس را به ابناء وطن خویش بنمایند نه آنکه اکتفاء به تبلیغ و بیان و تفسیر و تشریح کنند... اعضاء این محافل روحانیه باید در تمام امور مروّجه همّت شایان بکمارند و تحقیقات کامله اجرا نمایند و تعقیب هر مسئله نی کنند و تمعّن و تدبّر در جزئیات هر امری نمایند و از روی دلسوزی و حکمت به نشاط تامّ قیام کنند و به مشورت حقیقی پردازند و به دو مبداء صراحت و صداقت تمسّك تامّ جویند وبه عدالت تامّ حکم کنند و در اجرای فوری قرارهای خویش همّت و سعی کامل مبذول دارند تا قابل و لایق اعتماد و ثقه و اتّکال و انقیاد واطاعت و تأیید و مساعدت سایر یاران شوند.(۷

۳ - ای برادران روحانی در این عصر نورانی ید تقدیر زمام امور را بدست آن نمایندگان محترم سپرده، سپردگان حقّ را بدل و جان محافظه نمائید. مشیّت الهیّه شما را پیشوایان و علمداران حزب مظلوم فر موده، افواج مؤمنین را به مقصد اعلی و غایة قُصوی که هدایت مَن علی الأرض است تشویق و دلالت کنید. نمایندگان اسم اعظمید، آئین نازنین را از مکاره و شُرور و آفات عالم کُون حراست نمائید. مؤسّسین بنیان اقومید، از تلوّنات و تصنّعات و شئونات تُرابیّه که مخلّ در نظم شریعت الله است احتراز و اجتناب تامّ نمائید. وظائف مصرّحهء مُبرمهء خویش را

بیاد آرید و بنهایت خضوع و خشوع و تذلّل و انکسار و حکمت و انقطاع به خدمت عموم و ترویج مصالح جمهور پردازید.(۷)

٤ – ای امنای امر حضرت بهاءالله قدر این مقام را بدانید و مسئولیّت خود را بشناسید و بپیمائید. در این مقام دقیقه ئی غفلت عالمی خسران است و ذره ئی اهمال مورث حسرت و ندامتی بی پایان. به آثار رجوع نمائید و تکالیف شایسته را از فحوای آیات منزله اش بیابید. فئهء مؤمنین و مؤمنات به دلالت و هدایت ربّ الآیات البیّنات از میان خود شما را بر انگیخت و به نمایندگی خویش بین بیگانه وخویش مخصّص و سرافراز فرمود. اعنّهء اختیار را بکف کفایت آن پیشوایان بسپرد و افسر عبودیّت بَحتهء مَحضه را بر فرق آن سروران بنهاد، مصالح روحانیهء حزب مظلوم را در دست امنای امرش ودیعه بگذاشت و طوق مسئولیت کبری بر گردن اسیران کویش بینداخت. بصراحت طبع و طیب خاطر خود را رهین و مقیّد ارشادات و تعلیمات آن موالیان عظام بنمود و تنفیذ تشریعات و تصمیمات قاطعهء آنان را از مفروضات وجدانیهء خویش بشمرد. این چه موهبت عظمائی است که بخشندهء مختار بصرف اختیار بدست یاران جان نثارش بر آن نمایندگان مبذول داشته و این چه مسئولیت گرانی است که بر کتف آن برگزیدگان گذاشته؟ شمائید وسائط اِعطای فیض حضرت فیّاض، شمائید وسیلهء ابراز راز حضرت بی نیاز، بیت الحرام را حامیان وفادارید و شریعت ربّ الانام را مروّجینی جان نثار، خزائن علم حضرت معلومید و اَواعی آن طیب مشموم، مؤسّسین مدنیّتی بی مُثلید و مُمثلین آئینی بی نظیر و عدیل، بانیان ایوان ربّ یکتائید و حاملان پیامی جان افزا، منادیان اسم اعظمید و نمایندگان اقوم، مغبوط و محسود پیشینیانید و تعلیم دهنده و پیشوای آیندگان، افتادگان شرق را مُنقِذ مهر پرورید و دردمندان غرب را طبیبانی نیك اختر، نجات دهندهء اسیران عالم امکانید و یگانه امید هر خسته دل ناتوان. این عنایات خفیّه و نِعَم موهوبهء جمال قدم جلّ اسمه الاعظم وقتی در انجمن بنی آدم بتمام قوی جلوه نماید که آن نمایندگان محترم در انظار دول و امم مظهر و مصداق این امر مبرم مُحیی رَمم گردند "ان اجعلوا سیفکم کلمة الله و سِلاحکم السلام و جیشکم معرفة الله و قائِدکم التّقوی و ظهیر کم الملأ الاعلی و نصیرکم ربّ السمّوات العُلی و زادکم التوکلّ علی الله و قوتکم تأیید یتتابع مِن شدید القوی".(۸)

٥ – در خصوص امر مشورت و مجلس شور کاهی واقع شود که نظریّهء یك فردی در مسئله ئی از مسائل مُرجّح و احسن ولی دیگران از قبول آن رأی اِبا نمایند، فرمودند "بنویس قبل از تصمیم، مشورت کامل بکمال صراحت و خلوص نیّت لازم و واجب و پس از ابداء رأی تمسّك

بحکم اکثریّت و اجرا و تنفیذ آن برکلّ واجب ولو مخالف صواب باشد."(۹

۶ - ... چون وقت تجدید انتخابات اعضای محفل روحانی بمیان آید باید هر یك از افراد احبّا تصویت یعنی ابدای رأی را از وظائف مقدسهء وجدانی خویش شمرد و بقدر امکان اهمال در این امر ننماید و مستقل الرای در نهایت توجه وخلوص و تجرّد و فارغ از هر مآرب نفسیه و مقاصد شخصیّه نفوسی را که خالصاً وجداناً قابل این مقام که عضویّت محفل مقدس روحانی است داند انتخاب نماید.(۱۰

۷ - ....یاران آن نفوس را که خالصاً لوجه الله مستعد و قابل عضویّت محفل روحانی دانند بر ورقهء علیحدّه اسماء نه نفر از یاران را من دون امضاء بنگارند و مکتوم دارند و تسلیم محفل روحانی حالیّه نمایند تا این اوراق جمع گردد و آن نه نفری که بیش از همه دارای اصواتند اسماء آنان اعلان شود و این نفوس اعضای محفل روحانی گردند.(۱۱

۸ - عزّت و تقدّم جامعهء بهائیان مشروط بانتخاب نفوس سلیمهء مؤمنهء فعّاله است. انتخاب محفل امری است سرّی و آزاد و عمومی. دسیسه مذموم و استعفاء و کناره جوئی ممنوع. یاران را فوراً متذکر دارید کلّ من دون استثناء مشارکت نمایند.(۱۲

۹ - ناخبین از مؤمنین و مؤمنات باید بکمال توجه و خلوص و تأمل و تدبّر نفوس مؤمنهء مخلصهء مجرّبهء مقتدرهء مستعده که قابل عضویتند انتخاب نمایند.(۱۳

۱- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، طبع آمریکا، جلد اوّل، ۱۹۷۹ میلادی، ص ۸۳-۸٤.
۲- نقل از نسخهء خطی
۳- گنجینهء حدود و احکام، طبع طهران، نشر سوّم، ۱۲۸ بدیع، س ۲۲۷-۲۲۸.
٤- از لوح مبارك مورخ ۲۹ می ۱۹۰۷ خطاب به اعضای محفل روحانی شیکاگو.
٥- از لوح مبارك مورخ ۲ آب ۱۹۱۹ خطاب به یکی از یاران شرق.
٦- مکاتیب عبدالبهاء ج ۳. ص ٥۰٤.
۷- توقیعات مبارکه.طبع طهران، ۱۲۹ بدیع، جلد اول، ص ۱۷۱-۱۷۲
۸- توقیعات مبارکه. طبع طهران، ۱۲۹ بدیع، جلد دوم، ص ۳۲-۳۰
۹- از توقیع حضرت ولی امرالله خطاب به یکی از احبّاء ایران، مورخ ۱۲ ژانویه ۱۹٤٦- نقل از نسخهء خطی.
۱۰- از توقیع مبارك مورخ ۳۰ کانون ثانی ۱۹۲۳ خطاب به اعضای محفل روحانی مرکزی ایران.
۱۱- از توقیع مبارك مورخ ۲۷ شباط ۱۹۲۳ خطاب به احبّای شرق.
۱۲- از توقیع مبارك مورخ ۹ آپریل ۱۹۲۳ خطاب به اعضای محفل مقدس روحانی طهران.
۱۳- از توقیع مبارك مورخ اول جولای ۱۹٤۳ خطاب به محفل روحانی ملی بهائیان ایران.

تاریخ امر

استاد حسین نعلبند و جناب ابوالفضائل

موسی امانت

در شماره مخصوص مجله پیام بهائی که به شرح احوال جناب ابوالفضائل اختصاص یافته بود (ژانویه ۱۹۸۹) شرحی در باره استاد حسین نعلبند کاشی و مذاکره ایشان با جناب ابوالفضائل و حدیث باران و ملائکه و نزول باران بر سگ آمده بود.

برای آنکه خوانندگان عزیز مجله پیام بهائی به مقام بلند و میزان عرفان و دانش استاد حسین نعلبند پی ببرند شرح حال مختصری از ایشان بر مبنای آثاری که تا کنون طبع شده تقدیم میگردد:

استاد حسین نعلبند از مشاهیر احباء بود و بخاطر ایمان خود دو سال زیر زنجیر در زندان ناصرالدینشاه قاجار محبوس بود. در همان موقع جناب حاج آخوند و جناب ابن ابهر نیز در زندان بودند و لوحی از ساحت اقدس جمال قدم به افتخارشان نازل گردیده است.

داستانی مشابه تبلیغ جناب ابوالفضائل برای آقا میرزا ابراهیم پروین همدانی اتفاق افتاده که جناب فاضل مازندرانی در کتاب ظهور الحق جلد ۸ قسمت ۲ ص ۸۹۰ آورده اند و اینك خلاصه ئی از آن شرح احوال ذیلاً درج میشود:

"حاجی ابراهیم پروین دندانساز همدانی بسال ۱۳۰۳ اسب بطهران برده میفروخت روزی اسبی را برای نعلبندی بدکان استاد حسین نعلبند کاشی معروف به حسین بابی برد و او در حال نعلبندی شروع به تبلیغ نمود و شبی در کاروانسرا بحجره اش رفته ویرا آگاه ساخت سپس او را بمحافل برای ملاقات احباب آورد و منجذب کرد و معروف باین نام و مورد تطاول اَنام شد.... الخ"

برای مزید اطلاع بمراتب عرفانی جناب استاد حسین شرحی را که جناب محمد علی خان بهائی از احاطه عرفانی و استدلالی استاد حسین تعریف نموده اند و در مصابیح هدایت جلد هشتم و نیز در محاضرات ثبت گردیده و در مجلهء ترانه امید تحت عنوان آفتاب حقیقت انتشار یافته عیناً ضمیمه شرح احوال این رجل رشید مینماید تا خوانندگان عزیز به شرح احوالش آگاهی بیشتری یابند.

جناب حاج یوحنا خان حافظی همدانی در شرح ملاقاتش با جناب استاد حسین نعلبند در طهران مینویسند: (تلخیص)

"استاد حسین شخصی بی سواد و مسن بود. شغلش در کاروانسرای شاه نعلبندی بود و از مؤمنین اول امر بود. از شنیدن ورود ما بطهران روزی برای ملاقات بمنزل ما آمدند. مقداری از تاریخ امر و زندگی خود بیان نمود وحکایت کرد که در ایامیکه حضرت نقطه اولی بکاشان ورود فرمودند ایشان جوان بوده، و شرحی با لهجه خوش مزه کاشانی در زمینه هیمنه و وقار حضرت نقطه گفتند. او در عین بی سوادی تعریف های بسیار خوشمزه میکرد. مثلاً حیوانات و جماد و

نباتات را بهتر از انسان میدانست زیرا آنهابرای انسان مفیدند ولی انسان جز استفاده از آنها کاری ندارد و میگفت خدا هم در قرآن شهادت داده و میفرماید اولئك کالاَنعام بَل هُم اَضَلّ اولئك هم الغافلون.*

از جمله وقایعی که تعریف میکرد آن بود که شبی در تاریکی در گودال راه آبی افتادم و کسی نبود مرا خلاص کند تا شخصی بنام حاجی محمد حسن ناله مرا شنید و به نجاتم آمد و چون منزلم دور بود پیشنهاد کرد مرا شب بمنزل خود ببرد. در بین راه بخیال تبلیغ آن مرد افتادم و وقتی بمنزلش رسیدیم مادرش هم بود و من شروع باستدلالات عقلی و نقلی نمودم و تا ساعت هفت از شب صحبت نمودیم. آنها سه روز مرا آنجا نگاهداشتند و بالاخره مادر و پسر هر دو تصدیق کردند.....الخ" انتهی

در جلد هشتم مصابیح هدایت شرح مجلسی با حضور جناب میرزا محمد علی خان بهائی و یك کشیش مسیحی درج شده که خلاصه آن به قلم خانم پریچهر منوچهری در مجله ترانه امید به این شرح آمده است: استاد حسین نعلبند که در هیچ مکتبی و نزد هیچ استادی شاگردی نکرده بود در جواب کشیشی چنان احاطه ای از خود بروز داد که آن را به هیچ چیز جز الهام نمیتوان تعبیر کرد.

زمانی که جناب محمد علیخان بهائی برای معالجه زخم و التهاب پا در بیمارستان بستری بود با جوان کشیشی از فرقه "ارتودوکس" هم اطاق بود که او نیز به درد پا مبتلا بود جناب محمد علیخان بهائی مشارالیه را به آئین بهائی تبلیغ می کرد.... روزی در ضمن مباحثات و مذاکرات کشیش از جناب محمد علیخان پرسید: "به چه دلیل مظاهر الهی را تشبیه به شمس می کنید؟"

جناب محمد علیخان خود از ابراز ادلّه عقلی و جواب کافی در میماند. در این هنگام یك نفر از احباء که برای عیادت ایشان به بیمارستان آمده بود در بحث شرکت می کند ولی او هم از عهده جواب کافی عاجز می ماند بالاخره جناب نیّر و جناب میرزا محمود زرقانی برای عیادت به بیمارستان میروند. محمد علی خان از ایشان در مورد پرسش کشیش سئوال میکنند هر کدام جوابی میدهند ولی کشیش قبول نمیکند. در این هنگام شخصی در لباس مندرس روستائی که بر حسب ظاهر و معمول لایق جلوس در هیچ انجمنی نبود و ۵۵ الی ۶۰ ساله مینمود با دستی خون آلود در حالی که جوالدوزی در دست داشت و دست را بالا گرفته بود وارد اطاق شد سلامی کرد و گوشه ای ایستاد. جناب نیّر و سایرین وی را احترام و تواضع کرده صندلی گذاشتند - مرد روستائی همانطوری که دستش را بالا گرفته بود نشست و پرسید در بارهء چه مطلبی بحث میکردید؟ قضیه را باو گفتند و وقتی صبحت آنها تمام شد. با لهجه غلیظ کاشانی شروع به صحبت کرد و گفت:

"آفتاب ظاهر دارای ده صفت است که ۵ صفت در جرم شمس معلوم و ۵ صفت از نور آن مشهود... صفات جرم شمس جاذبه، دافعه، احاطه، دوام، استقرار و صفاتی که از نور شمس مکشوف است: روشنائی، حرارت، اثر، نفوذ و

---

* سورة الاعراف آیه ۱۷۹ (ترجمه آنها مانند چارپایانند بلکه بسی گمراه ترند زیرا قوه ادراك داشتند اما غافل شدند.)

تربیت میباشد و چون در شموس حقیقی و مظاهر الهی که مربی جواهر و موجودات یعنی انسانند همین ده صفت(پنج صفت مشابه از هیکل مبارکشان و پنج صفت مشابه از انوار و آیاتشان) ظاهر است لذا در تمام صحف آسمانی آنان را تشبیه به شمس فرموده اند.

اما ٥ صفت راجع به هیکل جسمانی انبیاء:

۱ - ادعا که شبیه اشراق شمس ظاهر است.

۲ - استقامت که در موارد حوادث و بلایا مشابه استقرار خورشید ظاهری است.

۳ - کتاب که به منزله انوار دائم شمس است.

٤ - جاذبیت که جذب قلوب میکند.

٥ - دافعیت که دفع تقالید و تعصبات ناشایسته می فرماید.

پنج صفت هم مخصوص انوار یا آیات شمس حقیقی است:

۱ - خلاّقیت که خلق نفوس و قلوب جدید می نماید.

۲ - احاطه که محیط بر کل کتب موجوده و صحف قبل است.

۳ - نفوذ کامل که منحصر به آیات و کلمات او است.

٤ - آثار که احکامش اثری فوری می کند.

٥ - دوام که پاینده و جاودان است.

کشیش تصدیق کرد، حضرات هم بعد از ساعتی رفتند از یکی از دوستان که او هم برای عیادت آمده بود پرسید، این شخص نامش چیست؟ گفته شد: استاد حسین و شغلشان نعلبندی الاغ و قاطر در نزدیکی دروازه عبدالعظیم است.

بقیه در ص ۳۱

اعظم اعیاد اهل بهاء

بقیه از ص ۱۱

پس عید رضوان را می توان سر آغاز حرکتی تاریخی دانست که بالمآل به نزول اعظم و اهم آثار حضرت بهاء الله در ایجاد مبانی تمدنی جدید و نظمی جهانی که نه متمایل به شرق و نه گراینده بغرب است و در عین حال مزایا و سجایای حسنه هر دو را باحسن وجوه ترکیب و تلفیق می کند منتهی گردیده است.

***

یاران رحمن به پیروی از اوامر مطاعه طلعت پیمان بخوبی می دانند که هر عیدی را باید با تأسیس مجهودات و مؤسسات مهمه پایدار و ابدی الآثار کرد. رضوان سنه ۱۹۹۰ که تنها دو سال به پایان نقشه شش ساله در پیش دارد فرصتی است استثنائی که سهم خود را به پیشرفت این نقشه خصوصاً در زمینهء اشاعه کلمه الهیه و هدایت نفوس به ظل خیمه یکرنگ وحدت اصلیه بهتر و بیشتر از گذشته ایفا کنیم و از آن وجد و نشاط که نتیجه زیستن در این ایام شادی بخش و روح افزاست نشئتی تازه حاصل کنیم و بدان قوه تازه، دست در دست یکدیگر نهیم و بقول حافظ:

«فلك را سقف بشکافیم و طرحی نو در اندازیم
اگر غم لشکر انگیزد که خون عاشقان ریزد
من و ساقی بهم سازیم و بنیادش براندازیم»

پیام بهائی

شرح حال منیره خانم حرم حضرت عبدالبهاء

٤

بهاریه روحانی معانی

بقیه از شمارهء قبل

حیات منیره خانم
از زمان صعود حضرت عبدالبهاء تا
زمان وفات -۱۹۲۱ تا ۱۹۳۸

منیره خانم بنظر میآید از افراد معدودی بوده باشند که از الواح وصایای حضرت عبدالبهاء و انتصاب حضرت شوقی افندی بمقام جانشینی قبل از صعود هیکل مبارك اطلاع داشتند و این امر البته مایه اطمینان قلب و تسلی خاطر ایشان در ایام پر غم و اندوه و بعد از صعود بوده است.

از طرف دیگر آتش فرقت و حسرت قلب ایشان شاید باین جهت شدیدتر بوده باشد که وقتی حضرت عبدالبهاء قبل از صعود دستور میفرمایند به حضرت شوقی افندی که در آنزمان در آکسفورد انگلیس بتحصیل مشغول بودند تلگراف زده شود که به ارض اقدس مراجعت نمایند، در مشورتی که گویا بین ضیائیه خانم و منیره خانم انجام میگیرد صلاح در این می بینند که برای جلوگیری از حالت نگرانی و تعجب بجای تلگراف نامه بنویسند. این امر البته سبب میگردد حضرت شوقی افندی در موقع صعود هیکل مبارك حاضر نباشد که سبب حزن شدید حضرتشان میگردد.

بعد از صعود حضرت عبدالبهاء، حضرت ورقه علیا که محرم اسرار برادر والاگهر خود و از وجود الواح مبارك وصایا و جانشینی حضرت ولی امرالله اطلاع کامل داشتند زمام امور را در دست گرفتند و در نهایت وفاداری و کفایت، اقدامات مربوط به تشییع جسد مطهر حضرت عبدالبهاء و استقرار آن در جنب مقام اعلی، مخابره خبر صعود به عالم بهائی، گشودن الواح وصایا و سرپرستی جمیع اقدامات لازم تا زمان مراجعت حضرت غصن ممتاز وصیّ مرکز میثاق را به ارض اقدس با قلبی محزون و شکسته به عهده گرفتند. منیره خانم چه در آن ایام پر ابتلاء و چه در ایامی که حضرت شوقی افندی بر اثر احزان وارده از مرکز جهانی برای چندی غیبت اختیار فرمودند منقاد و معین حضرت ورقه علیا بودند. در دستخطهای بهائیه خانم مکرراً ذکر حرم حضرت عبدالبهاء و صبایای مبارك بمیان آمده است. در نامه هائی که منیره خانم مینوشتند نیز نام حضرت ورقه علیا با نهایت احترام و مباهات در صدر مراقم یاد میگردید. منجمله در نامه ای که به طهران بعنوان "ورقات جان نثار روحانی و اماء الرحمن ثابت مستقیم نورانی" ارسال داشتند چنین آمده‌است:

"... اول بشارت و اول سرور و اول حبور ورود حضرت غصن ممتاز بارض مقدسه و مقام اعلی و بقعه نوراء است و چشم همه بهائیان روشن و منور و ثانیاً ابهی بشارت و اعلی ارمغان برای خواهران و اماء رحمانی و دوستان ایرانی همانا صحت

هیکل ورقه شجره مقدسه ابهاء حضرت ورقه المبارکه العلیا ارواحنا لفرط احزانها الفداست مع ورقات مقدسات عموم اماء الرحمن آن سامانرا بطراز تکبیرات امنع ابهی نی مزین میفرمایند...

حضرت ورقه علیا با منیره خانم تقریباً همسن و قریب شصت سال در نهایت محبت و احترام متقابل در یك بیت ساکن و معاشر و مؤانس بسیار نزدیك و دوست و غمخوار یکدیگر بودند. سرپرستی و اداره امور داخلی بیت در زمان حیات حضرت عبدالبهاء با حضرت ورقهء علیا بود. اوقات منیره خانم بیشتر صرف رسیدگی بامور اطفال و پرورش آنان میگردید. در ایامی که حضرت عبدالبهاء در سفر تشریف داشتند به اراده و اشاره مبارك مقام نیابت از آنِ حضرت ورقه علیا بود. پس از صعود نیز تا زمان مراجعت حضرت شوقی افندی این امر مسلم و طبیعی تلقی میگردید که حضرت ورقه علیا زمام را دردست داشته باشند. حضرت عبدالبهاء در ایام حیات مبارك مقدمات را فراهم و اهل بهاء را برای چنین روزی آماده فرموده بودند. وقتی حضرت ولی امرالله تصمیم به غیبت از ارض اقدس گرفتند تعیین حضرت ورقه علیا که با مشورت فامیل مبارك امور را سرپرستی فرمایند برای جامعه بهائی کاملاً قابل قبول و طبیعی مینمود.

برای افراد فامیل و بخصوص منیره خانم نیز مقام رهبری حضرت ورقه علیا در زمان غیبت حضرت ولی امرالله غیر قابل انکار بود. مقصد آنستکه روابط ودیّه بین حضرت ورقه علیا و منیره خانم در آن ایام حساس و بالقوه پر خطر سرمشق خوبی برای سایرین بود تا با اطاعت و انقیاد کامل از منویات مبارك و معاونت و همکاری سبب گردند امرالله وحدت اصلیه خود را حفظ نماید و در مقابل مخالفتها و حملات دشمنان داخل و خارج مقاومت نماید تا زمانیکه مرکز منصوص و مصون از خطا بر کرسی ولایت تکیه زند و با نهایت قدرت و هیمنه رهبری جامعه جهانی بهائی را بعهده گیرد.

وسعت گرفتن عائله مبارك، ازدواجهای نوادگان، عدم اعتنای آنها بدستورات و نصایح مشفقانه حضرت ولی امرالله مشکلات گوناگون بوجود آورد و صبایای مبارك و سایر افراد فامیل منجمله خواهران و برادران حضرت شوقی افندی را دچار امتحانات شدید نمود و موجبات عدم رضایت هیکل مبارك را فراهم کرد و بالاخره منجر باعلان نقض عهد چند تن از آنان گردید. مشاهده این اوضاع و احوال و تصور اثرات و عواقب آن قطعیا برای منیره خانم بسیار مشکل بوده ولی چگونه ایشان با این مسائل روبرو میگردیده و چه عکس العملی از خود نشان میداده اند جزئیاتش معلوم نیست.

صعود حضرت ورقه علیا در سنه ۱۹۳۲ منیره خانم را دچار هجران حرمانی نمود که قابل تسلی نبود. شرح آلام و اندوهشان را از بعضی مندرجات مرثیه نامه ایکه یکسال بعد از صعود حضرت ورقه علیا یعنی در سنه ۱۹۳۳ انشاء نمودند میتوان دریافت:

«... ای یادگار جمال ابهی و ای شقیقه حضرت عبدالبهاء و ای ورقه مبارکه علیا ما را در بوته فراق و هجران گداختی و بآشیانه بقا در ملکوت ابهی صعود فرمودی حتی حضرت غصن ممتاز را در اول جوانی و شکفتگی محزون و بی نشاط نمودی چنانچه با احدی مؤانست نجویند و مسرور و خوشنود نباشند و برادر زاده های

عزیزت را در آتش فرقت ابدی نهادی چنانچه نه با خویش و نه با بیگانه مؤانست نجویند و در جمیع اوقات محزون و دل افسرده و اشکها جاری. ای مونس جانها و ای مسرت بخش روانها آیا ما را کفایت نبود مصیبت غروب نیّر اعظم و مربی خلق عالم حضرت بهاءالله روحی و ذاتی و کینونتی لاسمه الفدا، آیا ما را کفایت نبود لطمه ناگهانی و پرواز نیمه شب آسمانی حضرت غصن الله الاعظم چنانچه اهل فلسطین انین و ناله وامصیبتشان بعنان آسمان رسید و بساط فرح و سرور پیچیده شد... فانیه در این موارد بر خود علاجی نیافته جز آنکه بیایم در این نقطه مقدسه نوراء در جوار ضریح حضرت ورقه مبارکه علیا که مقابل روضه مبارك ابهی و مقام اعلی و حضرت عبدالبهاء است منزل کنم و مأوی جویم و بمناجات بدرگاه قاضی الحاجات پردازم ربنا ربنا لاتزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا و هب لنا من لدنك رحمة انك انت الوهاب. یا محبوبی زجمله بند بگسلم بدر که تو رو کنم

چنانچه میفرماید: "اگر مرا خواهی جز مرا مخواه و اگر اراده جمالم داری چشم از عالم و عالمیان بردار."

باری ای خانم عالمیان و ای بانوی اماء الرحمان امروز یك سنه تمام است که از این جهان پر آلام و محن پرواز فرمودی و در ملکوت ابهی و بهشت برین منزل و مأوی نمودی یا لیت کنت معك و افوز فوزا عظیما.

کنیز مخلص آستان مقدس ابهی.

منیره

یا محبوبی یا بهاءالله ذات مقدس مبارکت شاهد و گواه که بعد از صعود مبارك چه بر اهل بیت و منتسبین از انقلابات داخله امرالله گذشت. شبی آن غصن مبارك در بستر راحت نیارمید و آن ورقه مبارکه علیا آن برادر بیهمتا را مسرور و شادمان ندید و این امه فانی زار دل فکار در اغلب اوقات بمناجات و خواندن مرثیه و مصیبت نامه و اشعاری سوزناك جان گداز با اشك جاری مشغول حال دیگر صبر و شکیبائی نمانده و جمیع قوی تحلیل رفته و در این جبل کرمل بی مونس و انیس زیسته

یا حضرت عبدالبهاء داد از غم هجران تو

یا حضرت عبدالبهاء دست من و دامان تو

ابدا حالت عودت و مراجعت بخانه و آشیانه خود ندارم چه باید کرد...»

پس از صعود حضرت عبدالبهاء و در زمان ولایت حضرت ولی امرالله منیره خانم مقام خود را بعنوان مادر مقدس حفظ نمود. این عنوانی است که بین زائرین غربی بیشتر معمول بوده و شاید از آشنائی آنان با اصطلاحات مسیحی سرچشمه گرفته باشد. منیره خانم با خانمهای زائرین ملاقات و با بیان خاطرات خود آنها را شاد مینمودند. بدرخواست آنان بود که شرح حیات خود را نگاشته و با اجازه و تصویب حضرت غصن ممتاز بانضمام تضرع نامه هایشان برای ترجمه بانگلیسی و چاپ بامریکا ارسال داشتند. چند سال قبل از صعودشان خانمهای زائرین که از ایران و هند آمده و از نگارش شرح حالشان مطلع شده بودند تقاضا نمودند اصل آن بفارسی نیز بچاپ برسد و در دسترس علاقمندان قرار گیرد. همانطور که قبلاً ذکر شد این امر در سنه ۱۹۳٤ انجام و سبب سرور خاطر منیره خانم گردید.

بقیه در شماره آینده

مُعرّفی کتاب

بیت العدل اعظم

در عصر و زمانی که عالم به مرحله بلوغ نزدیك میشود و انظمه موجوده ناتوانی خود را در حل مشاکل جوامع بشری نشان داده اند، مقدّر چنین است که در آینده ای نه چندان دور، دیوان عدل اعظم الهی، "یگانه ملجاء مدنیّت مشرف بزوال"(۱) بساط عدالت و نصفت را که هزاران سال است بدان بشارت داده شده بر بسیط غبرا بگستراند، صلح اکبر را تأسیس نماید، حلاّل جمیع مشکلات موجوده باشد، سلطنت الهیه را بر روی زمین مستقر نماید و بشر رنجدیده و درمانده را در ظلّ خیمه یکرنگ الهی مجتمع نماید.

نظری به متون آثار مبارکه بهائی مقام و منزلت و اختیارات و وظائف این مؤسسه فخیمه را روشن میسازد.

طبق نصوص الهیه، بیت العدل اعظم مقام ملهم ، واضع قوانین غیر منصوصه، مصون از خطا و دارای عصمت موهوبی است.

غور درالقابی که از اقلام مطهره هیاکل قدسیه امر بهائی به این هیأت جلیله داده شده ما را تا حدی به علّو مقام و مرتبت این "اعظم هیئت تشریعیه آئین الهی"(۲) واقف میسازد.

جمال اقدس ابهی اعضاء معهد اعلی را: "رجال العدل ، و کلاء الله، امناء الرحمن، امناءالله، وزرای بیت العدل و مطالع الامر" تسمیه فرموده و در لوح کرمل جریان "سفینه الله" را پیشگوئی نموده اند.

از قلم مرکز میثاق این هیئت مجلله از جمله: "مصدر تشریع، مصدر کل خیر، مجلس شور سیاسی، عمومی، ملکی و ملکوتی" خوانده شده و نیز حضرت ولی امرالله این عصبهٔ نورا را "دیوان عدل الهی، دارالتشریع، مرکز اداره جامعه بهائی، محور تأسیسات نظم بدیع، جلوه گاه سلطه روحانیه، محل انعکاس و معرض تجلیّات، منبع مدنیّت الهیه، سفینة الله، قبّه بنیان الهی، سرچشمه نظم الهی، معهد اعلی، سرچشمه اقدامات و اجراآت کلیه بهائیان، آخرین قبّه ساختمان عظیم نظم جنینی، عصبهٔ علیا، مرجع اعلی، بالاترین هیئت تقنینیه، اعظم هیئت تشریعیّه آئین الهی و اعضاء آنرا مهابط هدایت و الهامات الهیه" خوانده اند.

جناب هوشنگ گهرریز یکصد و چهل نص از آثار مبارکه در باره بیت العدل اعظم را از منابع مختلف استخراج و جمع آوری و تدوین نموده و در رساله ای بهمین نام تألیف کرده اند.

بقیه در ص ۳۱

ع : ص "غبار"

۱ و ۲- حضرت ولی امرالله "به نقل از کتاب گوهر یکتا تألیف امة البهاء روحیه خانم"

اقبال دسته جمعی نفوس بامر مبارک در نقاط مختلفه عالم

بنگلادش: جامعه بهائی بنگلادش بعد از مشورت با مشاور قاره ای برهان الدین افشین چند نقشه تبلیغی در پنج ناحیهء کشور طرح و اجرا کردند. در ناحیه خولنا (Khulna) تعداد سه هزار و ششصد و پنجاه نفر مؤمنین جدید تسجیل شده و سیزده محفل روحانی محلی تشکیل گردید. در ناحیه راجشاهی (Rajshahi) تعداد هفتصد نفر مؤمنین جدید تسجیل و هفت محفل روحانی محلی تشکیل شد.

گویان (امریکای جنوبی): دوازده تن از مبلغین گویان و دوازده تن مبلغین سیّار خارجی با استفاده از راهنمائی های دو مشاور قاره ای اقدام باجرای یك نقشه تبلیغی نموده در هفته اول در یکی از نواحی بیش از پانصد نفر را در ظل امر وارد کردند و تا آخر ماه تعداد مؤمنین جدید در کشور گویان به دو هزار و دویست بالغ گردید.

نیجریه: در جریان اجرای یك نقشه تبلیغی در ایالت آنامبرا (Anambra state)از ۲۲ نوامبر تا ٦ دسامبر ۱۹۸۹ شمار مقبلین به امر مبارك از تعداد تعیین شده به عنوان هدف پیشی گرفت. هفتصد و پنجاه نفر مؤمنین جدید تسجیل شدند و بیست و چهار محفل روحانی محلی جدید تشکیل گردید.

فیلیپین: جامعه بهائی در دو جزیره لیت(Leyte) و سبو (Cebu) از جزائر فیلیپین موفق شدند تعداد هشتصد و هشت نفر مؤمنین جدید در ظل امر وارد نموده و ۱٦۹ مرکز جدید را فتح نمایند. علاوه بر این از سه تا ۱۵ نوامبر ٥ روحانی محلی جدید در این منطقه تشکیل شد.

ساموا: محفل روحانی ملی نهضتی تبلیغی را بنام نقشه ورود گروهی (Entry by troops project) بمورد اجرا گذاشتند و با همکاری نزدیك مشاورین قاره ای و اعضاء هیئت معاونت از ۲۰ نوامبر تا اول دسامبر هزار و صد و چهل و چهار نفر را در ظل امر وارد نمودند.

جوانان پیام بیت العدل اعظم "وعده صلح جهانی" را به نفوس در روسیه شوروی ارائه میدهند.

بموجب گزارشی که از محفل روحانی ملی جزائر هاوائی به ارض اقدس واصل شده پیام "وعده صلح جهانی" بیت العدل اعظم توسط جوانان بهائی در اتحاد شوروی توزیع گردیده است. این گزارش حاکی از آنست که در ایالت واشنگتن در شمال غربی ایالات متحده آمریکا مؤسسه ای موسوم به "سفرای بین المللی جوانان" Youth Ambassadors international تأسیس شده وگروهی مرکب از شصت و دو تن از بهائیان هاوائی و هفت کشور دیگر که به سرپرستی این مؤسسه و براهنمائی "بنیاد نوآوری اجتماعی" (Foundation for social innovation) در مسکو، از ۲۹ نوامبر تا ۹ دسامبر۱۹۸۹ در اتحاد شوروی به سیر و سفر پرداخته و پنج روز را در مسکو گذراندند. در جریان این دیدار در یکی از

بیمارستانهای بزرگ شهر مجلسی منعقد شد و در آن بیانیه صلح بیت العدل اعظم را بین حاضرین توزیع کردند.

اعضای این گروه به دعوت جوانان بنیانگذار سازمانی بنام "مکتب اندیشه جهانیSchool for planetary though" در کنگره این سازمان شرکت کردند. از دیگر فعالیتهای این گروه ایراد چند سخنرانی در طالار اجتماعات وزارت اطلاعات بود.

طی یکی از این نطق ها نکات مهمه بیانیه صلح و اصول آئین بهائی ارائه گردید و حضرت بهاءالله بعنوان شارع و منشاء این اصول معرفی شد. این سخنرانی مورد استقبال و تحسین شایان قرار گرفت. بیست و پنج تن از جوانان مدت چهار روز به منازل اهالی مسکو رفته بیانیه صلح و سایر جزوات بهائی را بین ساکنان توزیع کردند. این گروه به چند مرکز از جمله به مدرسه زبان انگلیسی در شهر کازان (Kazan) نزدیک مسکو رفته و بیانیه صلح را در کلاس توزیع نمودند.

جامعه بهائی بلِیز نمایشگاه صلح ترتیب میدهد.

در کشور بلیز (Belize) در آمریکای مرکزی جامعه بهائی ۲۸ اکتبر یك نمایشگاه صلح در پایتخت کشور ترتیب داد و از سازمانها و گروههای مختلف دعوت نمود هر کدام با تشکیل غرفه ای در نمایشگاه شرکت کنند. شهردار نمایشگاه را رسماً افتتاح نموده راجع به آئین بهائی و فعالیت بهائیان در ترویج صلح و اتحاد، با تحسین و تمجید سخن گفت و در پایان قطعه ای از بیانات حضرت بهاءالله راجع بصلح را قرائت نمود.

کنفرانس انجمن مطالعات بهائی در فرانسه

انجمن مطالعات بهائی کنفرانسی بمدت دو روز (۱۸ و ۱۹ نوامبر) در پاریس تشکیل داد که در آن مشاور قاره ای جناب شاپور راسخ راجع به بیانات حضرت عبدالبهاء تحت عنوان "هفت شمع اتحاد" صحبت نمود. گروهی از شخصیت های علمی غیر بهائی نیز در این کنفرانس شرکت کرده و سخنرانی هائی ایراد کردند. از جمله این افراد میتوان از پروفسور ژاکار Professor A. Jacquard استاد و متخصص زیست شناسی و پروفسور ادلرA.Adler استاد تاریخ نام برد.

موفقیت مدرسهء زمستانه بهائیان مالزی

مدرسهء زمستانه احبای کشور مالزی در نوامبر سال ۱۹۸۹ با شرکت بیش از هفتصد تن از احبای متجاوز از ده کشور برگزار شد. شرکت کنندگانی از آمریکا، انگلیس، کانادا، استرالیا، هندوستان، تایلند، هنگ کنگ، ماکائو، سنگاپور و گینه جدید پاپوا به مالزی سفر کرده بودند. در جریان این مدرسه از سخنرانی های جناب دیوید هافمن عضو سابق بیت العدل اعظم الهی و چهار تن از اعضای هیات مشاورین قاره ای از جمله جناب برهان الدین افشین استفاده گردید. جناب دیوید هافمن که در حال حاضر وقت خویش را بیشتر به سفرهای تبلیغی میگذرانند در سخنرانی های خود نظم بدیع جهان آرای حضرت بهاءالله، الواح وصای حضرت عبدالبهاء و آثار

حضرت ولی محبوب امرالله را مورد بحث و بررسی قرار دادند. جناب دیوید هافمن در پایان از مدرسه زمستانه مالزی به عنوان مدرسه ای بهائی که از رشد و بلوغ بی سابقه ای برخوردار بود تجلیل کردند.

نظریات مهندسین معمار درباره‌ء مشرق الاذکار هند

مشرق الاذکار هندوستان کمافی السابق مورد تمجید و تقدیر عموم بخصوص مهندسین معماری میباشد. در ماه اکتبر تعداد نفوسی که بدیدن معبد آمدند به چهارصد هزار بالغ گشت. بسیاری از این نفوس کسانی بودند که از حوالی دهلی و دو ایالت اوتارپرادش (Utar Pradesh) و هاریانا (Haryana) برای نمایشگاهی که در دهلی هر دوسال یکمرتبه دائر میشود آمده بودند. دوم اکتبر که مولود مهاتماگاندی و تعطیل عمومی بود، بیش از پنجاه هزار بدیدن معبد آمدند. از جمله نفوس مهمه که ماه اکتبر بدیدن معبد آمدند لین تیانگ (Lin Tiang) یکی از وزرای جمهوری چین بود. علاوه بر آن سفیر پاناما در هندوستان که چند دفعه به مشرق الاذکار پاناما رفته و با بهائیان کاملاً آشنا میباشد ضمن بازدید از ام المعابد هند اظهار داشت: نیلوفر بهار پور زیباترین معبد عالم برای بشر دوستی میباشد.

بهائیان السالوادر یوم مولود حضرت بهاءالله را جشن میگیرند.

روز ۱۲ نوامبر جامعه بهائی السالوادر (آمریکای جنوبی) میلاد حضرت بهاء الله جل اسمه الاعلی و پنجاهمین سال تولد این جامعه را با حضور اولین مهاجر آن کشور، جان آیکناور (John Eichenaur) جشن گرفتند. بهائیان السالوادر اعلانات جالبی در جرّائد این کشور از جمله در سه روزنامه معروف طبع کرده بودند و در دو روزنامه مقاله هائی در یك صفحه‌ء تمام با بیانات حضرت بهاءالله درج شده بود. پیش از این تاریخ در تلویزیون السالوادر راجع به امر مبارك صبحت شده بود و احباء موفق شده بودند طی یك مصاحبه تلویزیونی راجع به روش بهائی برای رسیدن به صلح صحبت کنند و به سئوالات بینندگان تلویزیون جواب دهند. این برنامه روز یکشنبه ۱۲ نوامبر برای دفعه دوم پخش شد و متصدی برنامه طی تماس تلفنی با یکی از بهائیان اظهار داشت که این برنامه یکی از موفق ترین کارهای وی بوده است. وی افزود آیا بهائیان که از مداخله در امور سیاسی برکنارند میتوانند روحیه و طریقه مشورت بهائی را به کسانی که مخالف یکدیگرند بیآموزند.

سفر معمار مشرق الاذکار هندوستان به ژاپن

جناب فریبرز صهبا معمار مشرق الاذکار هندوستان در ماه نوامبر طی سفری یازده روزه به ژاپن از شهرهای مهم این کشور دیدن کردند و در جلسات موسسات مختلف معماری در توکیو و دو شهر دیگر سخنرانی هائی تحت عنوان "گل کردن یك رؤیا" (The flowering of a Dream) و امتزاج معماری و روح (Fusion of Architecture and Spirit) و "طرح معماری فریبرز صهبا" (Architectural Desingn of F. Sahba) ایراد کردند.

پرتو خورشیـــد خاور را بجای خط زر
بر ردای انور مـــــولی الوری میدوختم
کهکشان آسمان جـــــذب را زنجیروار
بر میان آن ملیك ذوالعـــطا می دوختم
گوهر جان زلیخای بقـــــا را از وفا
بر قمیص یوسف مصر لـــقا میدوختم
یاد ایامی که من با رشته گیسوی خود
ثوب آن خلاّق فردوس عـلا می دوختم
یاد ایامی که من پیوسته با خط نـــگاه
چشم را بر طاق ابروی بها می دوختم
یاد ایامی که من با سوزن مجذوب جان
دست و دل بر دامن آن دلربا میدوختم
قرص ماه و مشتری را همچو مروارید و لعل
بر گریبان شهنشاه بقـــا می دوختـم
گر نمی آوردم آن ذیل مقدس را بدست
من نمی دانم دل خود بر کجا میدوختم

*

از اطلاعاتی که جناب ابوالفضل رحمانی در مورد سوابق امری سیسـان مرقوم فرموده اند کمال تشکر حاصل است و انشاءالله دوستان دیگر هم با استفاده از منابع بهائی (منجمله ظهور الحق جلد سوم و تواریخ معتبر دیگر) سوابق و لواحق امر در مناطق مختلف ایران را تحقیق و تحریر خواهند فرمود واین نشریه را نیز از نتایج آن برخوردار خواهند نمود.

*

از مـرقـومـه مـورخ ۸۹/۱۱/۲۸ و نیـز اشـعـار مرحمتی جناب علی توانگر کمال تشکر حاصل است.

از یاران مقیم امریکا که توسط دفتر محفل مقدس روحانی ملی آن کشور وجه اشتراك خود را ارسال می دارند و در پشـتیبـانی پیام بهائی نقشی بس مؤثر دارند یك جا سپاسگزاری می کنیم.

*

از خانم زرین تاج ثابت این اشعار را زیر عنوان "صبح امید" دریافت کردیم و بسیار سپاسگزاریم:

آمـدی ای مـاه من با روی تـابـــان آمـــدی
صبح امیدی و بعد از شام هجران آمدی
پرتو رویت بمشـــتـاقـان نویـد وصـــل داد
بر زمین تشنه همچون ابر نیسـان آمدی
از دم جانبـخش تـــو آمد بهـاری جـانفزا
از سبای عشق گوئی بـــوی جـانان آمدی
چـون بـدیـدی جسم عالم خسته از رنج و الم
ای پزشك آسمانی بهرِ درمـــــان آمدی
چیست حاصل جز پریشانی از این حرب و قتال؟
کاش این شام تَبَه کاری به پـــایان آمدی
اسم اعظـــم کـرد ویـران خـانهء ظلم و ستم
اینهمه از دولت آن نـــور یزدان آمـــدی
رونقی دیگـــر گـرفته دشت و گلـــزار و چمـــن
تا که آن سرو خرامان در گلـستان آمدی
ای دل غمـدیـده دیگـــر از پریشـــانی منـال
ای سر شوریده اینك خوش به سامان آمدی
نوبت صلـــح و وفـا و دوستـی شـد این زمان
قلب را زرین صلا از فیـض ایمان آمدی

*

جناب یدالله رفعت از خادمان برگزیده امرالهی در ایران و سـالهـا مـهـاجـر کـشـور ژاپون بودند و در دسـامـبـر۱۹۸۹ در امـریکا بملکوت ابهی پیـوسـتند خوشبختانه شرح حال مفصل ایشان بقلم خودشان مـوجـود است کـه انشـاءالله ملخّص آن بعداً زیب این نشریه خواهد شد.

از جناب ع : بشیـر الهـی بمنـاسبت صعـود جناب یدالله رفعت علیه رضوان الله اشـــعار زیر را دریافت کرده ایم:

رفعت ما که عین رأفت بـــــود
عاقبت زین جهان سفـر فرمود
روح پاکش بعـــالم ملکـــوت
باب رحمت بروی خـویش گشود
با صفات جمیـــله دورهء عمر
راه خدمت بدوســـتـــان بنمود
امر حقّ را بجـــان اطاعـت کرد
دم بدم بر یقیـن خود افـــزود
سر وجان را چه خاصیت باشـد
گر نشد وقف حضرت مقـــصود
ای خوشا آنکه بعـــد او گـویند
ماندنش خیر و رفتنش مسعـــود

جناب دکتر حشمت موید طی نامه مورخ/۹۰ ۲/۲۲ خود یادآور شده اند که در شماره ۱۲۳ پیام بهائی ص ۲۰ سطر ٦ از ستون اول کلمه "راقدا" باشتباه "اقلا" تایپ شده است لطفاً چون این کلمه از لوح مبارك جمال قدم است دوستان به تصحیح آن مبادرت فرمایند.

استاد حسین نعلبند

بقیه از ص ۲۱

پرسید: چرا در دستش جوالدوز بود و آغشته به خون؟ گفت می دانید که نعلبندها بیطاری هم می کنند حتما در این نواحی الاغی مجروح بوده واو با جوالدوز نیشتر زده.... و آبی نیافته که دستش را بشوید و با همان هیئت برای عیادت به بیمارستان آمده است.

جناب محمد علیخان بهائی در پایان این خاطره می افزاید "هنوز که ما در سال ۱۹۲۷ میلادی هستیم بیشتر مردم ایران معتقدند بر اینکه آفتاب دختری است نورانی که از چاهی بر آمده و به دریائی فرو می رود و اژدهائی در آسمان است که گاهی ماه یا خورشید را میبلعد و سبب خسوف یا کسوف می شود، هنوز هم در بهتم.... زیرا این مرد عامی نعلبند که در هیچ کالج و دانشگاهی تحصیل فلسفه و ریاضی نکرده چگونه از عهده این استدلال برآمد."

خانواده های قدس جورابچی - اتحاد و عبدالحسین ایمانی از نواده های استاد حسین می باشند که هر کدام علی قدر مرتبهم بخدمات امریه مشغول و مألوفند.

معرفی کتاب بقیه از ص ۲۵

ایشان مطالب کتاب را به این ترتیب طی ۱۲ فصل طبقه بندی نموده اند: " فرمان تشکیل بیت العدل، امناء بیت العدل باید از رجال باشند، مقام و وظایف، شرایط و نحوه انتخابات، مقام ملهم و مصون از خطا، واضع احکام غیر منصوصه، واردات بیت العدل، صدور حکم نهائی بعضی از احکام، تأسیس اولین بیت العدل اعظم، القاب بیت العدل اعظم در آثار مبارکه، القاب اعضاء بیت العدل، قانون اساسی بیت العدل اعظم".

مؤلف ارجمند مأخذ هر نص را نیز نقل کرده اند و در پایان رساله "کتاب شناسی و فهرست اعلام" بدان اضافه نموده اند که خواننده را به یافتن مطالب یاری میکند.

یقین است نصوص مبارکه در بارهء بیت العدل اعظم به مطالب این رساله محدود نمیشود و نصوص متعدد دیگری نیز در این زمینه وجود دارد. امید است جناب گهرریز سایر نصوص مبارکه را بدست آورده به رساله حاضر اضافه نمایند که در چاپهای بعدی، مندرجات آن کاملتر گردد.

رساله "بیت *العدل اعظم*" اخیراً در ۸۱ صفحه بقطع پستی با چاپ و تجلید مرغوب توسط لجنه ملی نشر آثار امری بزبانهای فارسی و عربی در آلمان منتشر شده و در این کشور توسط مؤسسه ملی مطبوعات امری و در سایر کشورها در مراکز فروش کتب امری در اختیار علاقمندان قرار داده شده‌است.

توفیق مؤلف محترم را آرزومندیم.

باغ رضوان بغداد.

مقرّ اظهار علنی امر حضرت بهاءالله
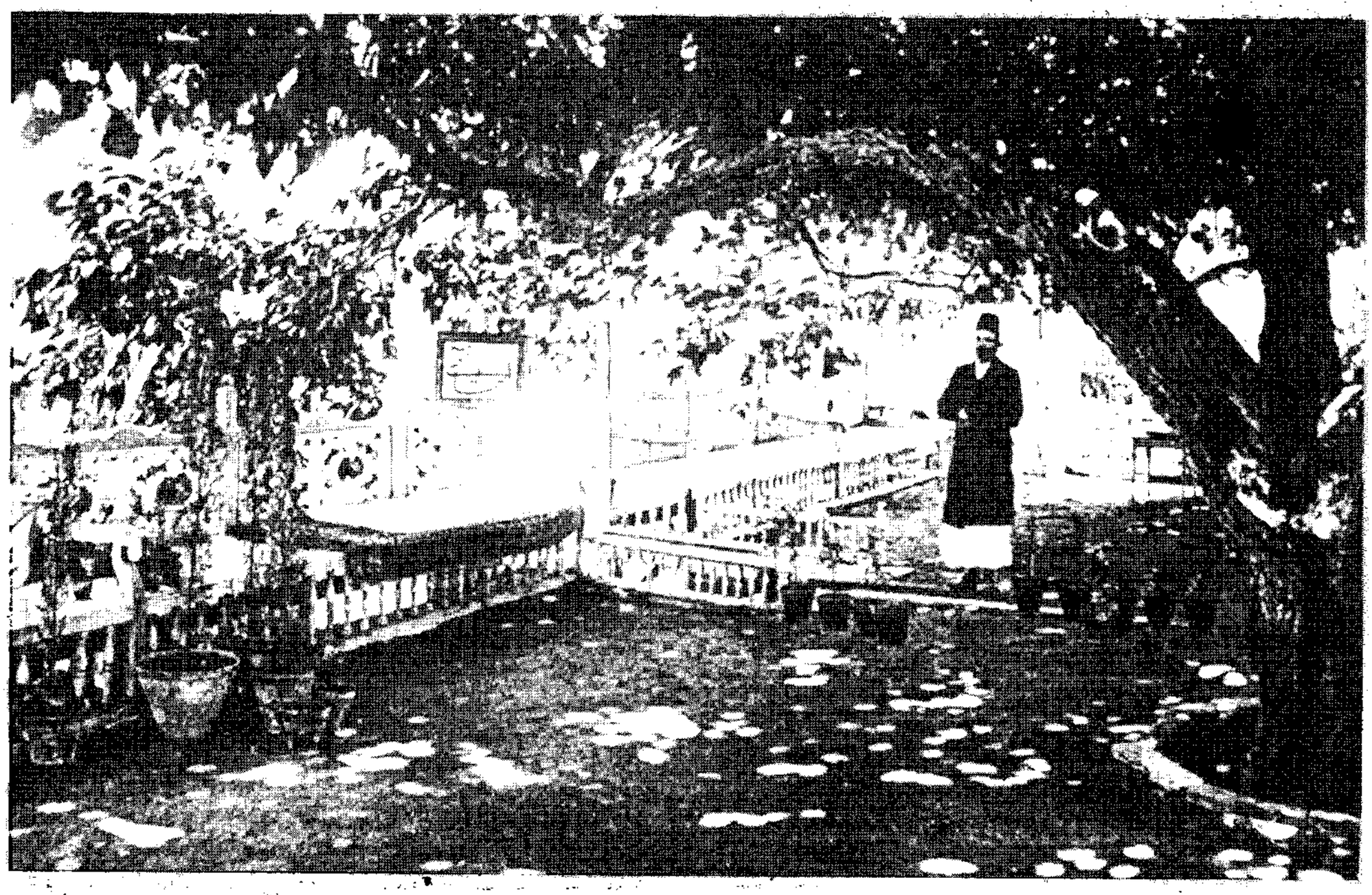
Entrance to the Garden of Ridvan where Bahá'u'lláh declared His Mission